

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صبح شد و بانگ الرحیل برخاست و "قافله عشق" عازم سفر تاریخ شد. خدایا، چگونه ممکن است که تو این باب رحمت خاص را تنها بر آنان گشوده باشی و دیگران را از این دعوت محروم خواسته باشی؟ آنان را می گویم که عرصه حیاتشان عصری دیگر از تاریخ کره ارض است. هیئات ماذلک الظن یک ما را از فضل تو گمان دیگری است. پس چه جای تردید؟ راهی که آن "قافله عشق" پای در آن نهاد راه تاریخ است و آن بانگ الرحیل هر صبح در همه جابر می خیزد. واگر نه، این راحلان "قافله عشق"، بعد از هزار و سیصد چهل و چند سال به کدام دعوت است که لبیک گفته اند؟

الرحیل



شروع جاذبه‌ی مغناطیس **حسینی**، در روز اربعین است.
جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد.
این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن‌های
متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت
دارند، عشق و شور به **کربلا** همیشه در دلشان زنده است. این از
آن روز شروع شده است...



این خون **سیدالشهدا** است که خون های همه ملت های اسلامی
را به جوش می آورد و این دستجات عزیز عاشورا است که مردم
را به هیجان می آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی
مهیامی کند. در این امر سستی نباید کرد. سیدالشهدا همه جا
هست. «کل ارض کربلا» همه جا محضر **سیدالشهدا** است...
امام **حسین** نجات داد اسلام را...

الذين آمنوا والذين هاجرنا من اهل البيت

وَبَشِّرِ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ إِذَا أُتُوا بِالْحَسَنِاتِ
الْحَسَنِينَ وَأَصْحَابِ الْحَسَنِ
الَّذِينَ تَذَلُّوا لَهَا فَوَافَقُوا وَنُصِرُوا

فان فافان

ویژه نامه سفر پیاده روی اربعین حسینی
ستاد مردمی راهیان کربلا - استان قزوین

- تحریریه: جمعی از نویسندگان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

- طراحی جلد و صفحه آرائی: طراحان انقلاب اسلامی

- تیراژ: ۱۰۰۰ عدد

- آرشو عکس: جامعه ایمانی مشعر - مجمع اردویی رحیل - خبرگزاری فارس

- مآخذ: نشریه شب های مهیت - راهنمای مصور عراق - وبگاه اربعین و شمسا - روزنامه خراسان

- قیمت: ۵۰۰۰ تومان

- حق چاپ و نشر نداریم اما این ویژه نامه غیر قابل فروش است.

ویرایش
مهری پادری
نویسنده



به جای سرمقاله

و کسی گفت چنین گفت سفر سنگین است...

نمی دانم هنگامی این سطور را می خوانی کجاهستی؟ در اتوبوس نشسته ای و در حال عزیمت به مهرانی یا از مرز عبور کرده ای و نزدیک شهر امیرمؤمنانی؟ نکند در حریم باصفای مولاننشسته ای و چشمانت از زمزمه مناجات حضرت امیر در مسجد کوفه پر از اشک شده؟ حتی ممکن است در مسیر نجف به کربلا باشی و با پای برهنه و تاول زده، تیرها را بشماری و دلت پر بزند تا شماری تیرها به عدد هزار و چهار صد و پنجاه و دو برسد و خودت را در مانده و خسته در بین الحرمین ببینی. نمی دانم...

همچنین نمی دانم اهل کجایی یا در محرم امسال چه کاری هیئت بودی؟ مسوول هیئت و برنامه ریز کلان آن یا خادم جلوی دری که به استقبال میهمانان آقامی رفت و خاک کفش آنان را سرمه چشمانش می کرد. طراح نشریه هیات بانبرویی که پوسترهای تبلیغات مراسم را پشت شیشه مغازه های شهر می چسباند. نمی دانم...

اما فقط همین را می دانم که دست من و تو نیست. هر جا که روزی باشد، میزبان، میهمان را فرامی خواند. فرقی نمی کند از چه قوم و تباری باشی، از خطه آذربایجان یا دیار سرسبز گیلان، لر یا بلوچ، ایرانی یا لبنانی از نیجر به آمده باشی یا آلمان، نکند از سوریه آمده ای. میهمانی حسین (ع)، مسجدی و غیر مسجدی نمی شناسد، بسیجی و غیر بسیجی نمی شناسد، انقلابی و غیر انقلابی نمی شناسد، خودشان دستچین می کنند. به قول شاعر اهل دلی: دست من و تو نیست اگر نوکرش شدیم/ خیلی حسین زحمت ما را کشیده است...

سفری که در پیش داری با سفرهای ماقبل تفاوت زیادی دارد. فرق نمی کند سفرهای قبلی ات زیارتی بوده یا سیاحتی. ولی اگر تا به حال به پیاده روی اربعین حسین (ع) نیامده ای بدان خبری آمد خبری در راه است چون اصلاً حسین جنس غمش فرق می کند...

به جاده ای قدم خواهی گذاشت که راه تاریخ است و صدای هل من ناصر حسین (ع) را خواهی شنید که بعد از ۱۴ قرن هنوز طنین انداز است و بعضی عجیب گلویت را خواهد فشرد و فضایی که سنگین است. نه این که اغراق کنم، نه آن قدر سنگین است که می خواهد بر سرت آوار شود و در این فضا چقدر سخت است که بغضت نترسد و اشک چشمانت که در حال و هوای هیئت بابک "یا حسین" جاری می شد در این جاشک شود. هر کسی در تنهایی خودش زمزمه ای می کند و مسیری را طی می کند که مقصدش کربلاست و گویی باورش نمی شود در همین جاده بود؛ کودکانی پابرهنه، تازیانه های بی رحم، دختری قد خمیده، سرپدری بالای نیزه، خواهی گریان... بگذریم.

قرار است در این سفر «**قافله عشق**» نیز همراه تو باشد و مرآه ایت باشد تا مسیر را گم نکنی. از نجف تا کربلا برایت حرف ها دارد و می خواهد محرمرای باشد برای همه حرف هایی که در این مسیر روی دلت سنگینی می کند. حرف هایی از جنس صداقت... حرف هایی از جنس محبت... سید مرتضی آوینی نیز در این سفر تو را همراهی می کند و می خواهد راوی روایت فتحی دیگر باشد. خوب گوش کن صدایش را نمی شنوی...:

یاران! این **قافله عشق** است و این راه که به سرزمین «طف» در کرانه «فرات» می رسد، راه تاریخ است و هر بامداد، این بانگ از آسمان می رسد که اللّٰه ارحم الراحمین! از رحمت خدا به دور است هر که این باب شیدایی را بر مشتاقان لقای خویش ببندد. این دعوت آسمانی، فیضانی است که علی الدوام، زمینیان را به سوی آسمان می کشد. بدان که سینه تو نیز آسمان لا یتناهی است، با قلبی که در آن چشمه خورشید می جوشد و گوش کن که چه خوش تر نمی دارد: «حسین حسین حسین حسین!».



فهرست:

۷.....	فصل نجف
۱۷.....	فصل قافله عشق
۳۷.....	فصل کربلا
۵۱.....	فصل راهیان کربلا
۵۹.....	پیوست

❖ فصل نجف

عجب تمثیلی اسست این که علی مولود کعبه است .

یعنی باطن قبله را در امام پیداکن ...



علامات مومن

خداوند می فرماید: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرُ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج/۳۲) تمام تقواها مر تبط به قلب است و جسد به منزله خادم اقلب است و اختصاص شعائر به این است که تقوار ادر قلوب دیگران تثبیت می نماید و علاماتی هستند که به واسطه آنها به ذی العلامه پی می برند فرموده اند: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خُمُسٌ: صَلَاةُ الْإِحْدَى وَالْخُمْسِينَ، وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَالتَّحَنُّنُ فِي الْيَمِينِ، وَتَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.» (تهذیب الاحکام شیخ طوسی، ج ۵۲- مزار شیخ مفید، ص ۵۲ و سائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۸۷) ... پس هر عبادتی که سبب شود از برای دخول دیگران در یاد خدا و در اطاعت خدا، مقرب است از دو جهت: یکی از آن جهت که خود، مأمور به است و دیگری از آن جهت که تهییج دیگران به سوی اطاعت است... طواف بیت [الله] عبادت است از دو جهت، زیرا خودش مأمور به است و سبب می شود برای دخول دیگران به آن و امثال آن.

آیت الله العظمی بهجت (ره)

فضیلت زیارت امیرالمومنین (ع)

شیخ طوسی به سند صحیح از محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: خداوند خلق نفر موده مخلوقی بیشتر از ملائکه و بدرستی که هر روزی نازل می شوند هفتاد هزار ملک و بیایند به بیت المعمور و طواف می کنند به دور آن و چون از طواف آنجا فارغ شدند، به طواف کعبه می روند و چون از طواف کعبه فارغ شدند، بسوی قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله می آیند و سلام می کنند بر آن حضرت. پس از آن می آیند به سوی قبر امیرالمؤمنین علیه السلام و سلام می کنند بر آن حضرت. بعد از آن می آیند نزد قبر حسین علیه السلام و سلام می کنند بر آن جناب. پس از آن به آسمان بالا می روند و مثل ایشان هر روز نازل می شود تا روز قیامت. پس فرمود آن حضرت که هر که زیارت کند امیرالمؤمنین علیه السلام را و عارف به حق آن حضرت باشد، یعنی آن جناب را امام واجب الاطاعة و خلیفه بلافضل داند و از روی تجبیر و تکبیر به زیارت کند، حق تعالی بنویسد برای او اجر صد هزار شهید و گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و مبعوث گردد در روز قیامت از جمله ایمان از احوال آن روز. و آسان گرداند بر او حساب را و استقبال نمایند او را ملائکه. و چون برگردد از زیارت او را مشایعت نمایند تا به خانه خود برگردد. و اگر بیمار شود به عیادت او بیایند. و اگر بمیرد متابعت جنازه او بکنند و از برای او طلب آمرزش نمایند تا قبرش.

نصیحت مومنانه



شخصی آمد خدمت مولای متقیان علی (ع) و گفت: یا امیر المومنین! مرا نصیحت کن.
علی نصایح زیادی کرد. دو جمله اولش را برایتان عرض می‌کنم، فرمود: لاتکن ممن یرجو
الآخره بغير عمل و یرجى التوبه بطول الامل، یقول فى الدنيا بقول الزاهدین و یعمل فیها بعمل
الراغبین. همین دو جمله فعلاً ما را بس. فرمود: نصیحت من به تو اینکه از آن کسان مباش که
امید به آخرت دارد اما می‌خواهد بدون عمل به آخرت برسد؛ مثل همه ما، ما می‌گوییم حب علی
بن ابیطالب کافی است. تازه حب ما حب حقیقی نیست؛ اگر حب حقیقی بود عمل هم پشت
سرش بود. می‌گوییم همین وابستگی ظاهری کافی است! ما خیال می‌کنیم یک گریه دروغین
بر امام حسین کافی است. ولی امیر المومنین فرمود اینها دروغ است. اگر حب علی بن ابیطالب
تو را به عمل کشاند، بدان که تو بر حسین بن علی گریه کرده‌ای این گریه تو راستین است. اگر
نه، فریب شیطان است. جمله دوم «و یرجى التوبه بطول الامل» ای مرد! از آن کسان مباش که
احساس نیاز به توبه را در وجود خود دارند اما همیشه می‌گویند دیر نمی‌شود، وقت باقی است.
آزادی معنوی، شهید مطهری

اللهم اغفر لعلي بحق علي

روایت شده روزی حضرت علی علیه السلام خدمت پیامبر رسیدند و عرض کردند: یا رسول الله
برای علی از خدا طلب بخشش نما؛ پیامبر سر به سجده گذاشتند و فرمودند: «اللهم اغفر
لعلي بحق علي». سپس حضرت از پیامبر سؤال کردند که بخشش مرا به خودم قسم
می‌دهید؟ پیامبر فرمودند: علی جان! چه کسی از تو نزد خدا عزیزتر است که خدا را به
او قسم دهیم.



ایوان نجف عجب صفایی دارد...

آستان مقدّس حضرت علی (علیه السلام) در مرکز شهر قرار دارد که از یک گنبد طلایی عظیم و یک گنبد خانه و رواقهای متعدد و یک صحن، با برخی ضمائم تشکیل شده است. نخستین ساختمان حرم مطهر در دوران هارون الرشید عباسی بنا گردید و پس از آن همواره در حال تجدید و عمران و توسعه بوده است. ساختمان امروزی از آثار صفویه است. گنبد عظیم و ایوان و وحیخشان آن، به دستور نادر شاه افشار با خشتهای طلایی تزیین شده. آیین کاری حرم به وسیله هنرمندانی از اصفهان در سالهای دهه چهل شمسی انجام گرفت.

قبر مطهر حضرت، درون صندوقی از خاتم و ضریحی نقره‌ای قرار دارد؛ صندوق خاتم از ساخته‌های دوران شاه اسماعیل صفوی است و از نفایس روزگار بشمار می‌رود. ضریح مطهر توسط هنرمندان هندی و چینی در سال ۱۳۴۵ ه. ق. در هند به همت رهبر شیعیان اسماعیلی ساخته و تقدیم حرم مطهر گردیده است. گرداگرد مرقد منور را از چهار سو رواق دربر گرفته است که همگی به زیباترین شکل توسط هنرمندان ایران تزیین یافته است.

حرم مطهر دارای صحن بسیار بزرگ و دلگشایی است که اطراف مرقد مطهر را دربر گرفته است. این صحن از ساخته‌های دوران صفوی است که نمای آن با کاشیهای خشتی زیبایی تزیین یافته و دارای دو ویژگی منحصر بفر داشت:

نخست آن که: در تمام فصول سال، هنگام ظهر شرعی، سایه از سمت شرق از میان می‌رود.

دوم آن که: همواره نخستین اشعه آفتاب هنگام بامداد از میان بازار بزرگ شهر گذشته و پس از عبور از دروازه صحن به ضریح مقدّس می‌تابد. در گرداگرد صحن مطهر اتاق‌هایی قرار دارد که همگی آرامگاه بزرگان است. صحن دارای چهار دروازه اصلی است که بزرگترین آنها در سمت شرق واقع شده و به «باب الذهب» شهرت دارد. دومین دروازه در سمت شمال قرار گرفته و به «باب الطوسی» معروف است.

سومین دروازه در جنوب است به نام «باب قبله» و چهارمین آن در سمت غرب واقع شده و به «باب سلطانی» مشهور است.

حرم مطهر، دارای برخی بیوتات ضمیمه است که عبارتند از:

الف - مسجد عمران بن شاهین، که در دالان منتهی به باب الطوسی قرار گرفته است. این مسجد کهن، از بناهای عمران بن شاهین، حاکم جنوب عراق در نیمه قرن چهارم هجری است.

ب - مسجد خضراء، در زاویه شمال شرقی صحن است که دارای تاریخ کهن می‌باشد. این مسجد در سال ۱۳۸۵ ه. به طرز زیبایی بازسازی گردید و دهها سال یکی از مراکز اصلی تدریس در حوزه علمیه نجف بشمار می‌رفت.

ج - تکیه بکتاشیه‌ها، این تکیه در دوره حاکمیت عثمانیان بر عراق ساخته شده و محل تجمع و برگزاری مراسم صوفیان بکتاشی تُرک بوده است. ساختمان این تکیه که امروزه به انبار آستانه تبدیل شده در شمال غرب صحن واقع است.

د - مسجد بالاسر، در دالان سمت غربی صحن قرار گرفته و در محراب آن قطعاتی از کاشیهای خشتی متعلق به قرن ششم هجری به چشم می‌خورد.



گریه ناپهنگام

با پیامبر خدا (ص) در یکی از کوچه های مدینه قدم می زدیم. در طول مسیر به بستان سر سبزی بر خور دیم، به آن حضرت عرض کردم: عجب باغ زیبایی است؟! فرمود: آری، زیباست، ولی باغ تو در بهشت، زیباتر خواهد بود. (از آنجا گذشتیم) به باغ دیگری رسیدیم. باز گفتم: عجب باغ زیبایی است؟! فرمود: بله، زیباست، اما باغ تو در بهشت زیباتر است. به همین ترتیب با هفت باغ مواجه شدیم و هر بار گفتگوی بالابین من و رسول خدا (ص) تکرار میشد، در پایان راه ناگهان رسول خدا (ص) دست در گردنم انداخت و در حالی که مرا به سینه خود میفشرد به گریه افتاد و فرمود: پدرم به فدای آن شهید تنها. پرسیدم: ای فرستاده خدا!! گریه برای چیست؟ فرمود: از حقد و کینه های مردم که در سینه هانها ن کرده و آنها را پس از من آشکار سازند: کینه هایی که ریشه در بدر واحد دارد و میراث از آن برده است آنها خونهای ریخته شده در احدا را از تو طلب میکنند. پرسیدم: آیا در آن روز دینم سلامت خواهد بود؟ فرمود: آری. سپس فرمود: مژده باد بر تو: مرگ و حیات تو با من است (یعنی در دنیا آخرت با من خواهی بود). تو برادر من و وصی و برگزیده من و نیز وزیر و وارث من خواهی بود آنکه قرضهایم ادا کند و بر وعده هایم جامه عمل پوشاند، تو هستی. علی! تو ذمه ام را بری سازی و امانتم را رد نمایی و بر سنت من، باناکثین و قاسطین و مارقین پیکار نمایی. نسبت تو با من، همچون هارون باموسی است. تو مانند هارون در میان امت من هستی: قومش او را ضعیف شمردند و در اندیشه کشتنش برآمدند. بر ظلمی که از قریش بینی، شکیبای باش و بر همدستی آنها علیه خود، صبور باش....

کشف الغمه ج ۱، ص. صفحه ۹۶

خاک زیر پا

روزی که قلعه خیبر را فتح کردم و دروازه آن را گشودم، رسول خدا (ص) به من فرمود: اگر خوف آن نبود که گروهی از امت من، مطلبی را که مسیحیان درباره حضرت مسیح گفته اند، درباره تو نیز بگویند، در حق تو سخنی میگفتم که از جایی عبور نمیکردی، مگر اینکه خاک زیر پای تو را برای تبرک میگرفتند و از باقیمانده آب وضو و طهارت استشفای نمودند. اما برای تو همین افتخار بس، که تو از منی و من از توام تو میراث بر من هستی و من نیز از تو، ارث می برم. مقام و منزلت تو نزد من همچون هارون نسبت به موسی است، جز اینکه رشته نبوت پس از من بریده است. تو آن کسی هستی که دیون مرا ادا خواهی کرد و بر سنت و شیوه من (با مناققان) به پیکار پردازی و در روز واپسین از همگان به من نزدیکتر خواهی بود.

بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲

پیامبر خدا

دلم در محفل ذکر علی بود ...

شخصیت با عظمت امیر المومنین علیه السلام همیشه مورد توجه محققین، مولفین و بزرگان جهان بوده است و نظرات خود را در مورد شخصیت ایشان بیان داشته اند که در این مطلب به برخی از آن نظرات می پردازیم.

– امام خمینی (ره):

ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن، بزرگ ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است؛ از امام معصوم ما است.

– نرسین:

– اگر علی این گوینده با عظمت، امروز در کوفه بر منبر قرار می گرفت، شما مسلمانان می دیدید که مسجد کوفه با همه وسعتش از اجتماع مردم مغرب زمین برای بهره وری از دریای خروشان علی موج می زد.

– جرج جرداق:

نزد حقیقت و تاریخ یکسان است او را شناسایی یا نشناسایی، تاریخ و حقیقت گواهی می دهند که او وجدان بیدار و قهار، شهید نامی، پدر و بزرگ شهیدان، علی بن ابی طالب، صوت عدالت انسانی، شخصیت جاوید شرق است! ای جهان چه می شد اگر هر چه قدرت و قوه داری به کار می بردی و در هر زمان علی با آن عقلش، با آن قلبش، با آن زبانش و با آن ذوالفقارش به عالم می بخشیدی؟!

– کارلایل:

اماعلی، ما را نمی رسد جز آن که او را دوست بداریم و به او عشق بورزیم، چه او جوانمردی بس عالیقدر و بزرگ نفس بود، از سر چشمه وجدانش خیر و نیکی می جوشید، از دلش شعله های شور و حماسه زبانه می زد، شجاع تر از شیر ژیان بود ولی شجاعتی ممزوج با لطف و رحمت و عواطف رقیق و رافت... در کوفه غافلگیر و کشته شد، شدت عدلش موجب این جنایت گردید!... پیش از مرگش در باره قاتل خود گفت: اگر زنده ماندم خود می دانم و اگر در گذشتم کار به دست شماست، اگر در گذرید به تقوا نژدیک تر است!...

– جبران خلیل جبران:

علی بن ابی طالب از این دنیا چشم فرو بست، مانند آن پیامبران که به قومی مبعوث می شدند و آن قوم شایستگی آن پیامبران را نداشتند، و در جوامعی زندگی می کردند که جوامع آنان نبوده است...

– میخائیل نعیمه

در واقع هیچ مورخ و نویسنده ای به هر اندازه که باهوش و با شخصیت و نکته سنج و نایغه باشد، امکان ندارد که حتی در هزار صفحه بتواند تصویر کاملی از علی نشان بدهد. آنچه که این شخصیت بزرگ، بین خود و خدای خود گفته و عمل کرده از اموری است که هرگز هیچ گویی و هیچ چشمی مانند آن را ننشیده و ندیده است، بنابراین هر تصویری که ما از او ترسیم کنیم مسلماً تصویری ناقص خواهد بود، تنها چیزی که ما به آن امیدواریم، جنبش و تکانی است که به زندگی ما می دهد.



دروازه بهشت

از حرم که برگشتیم، بعد صرف صبحانه آقای نوروزی توی لابی هتل اعلام کرد که گروه ۴ ساعت ۱۰ جمع شوند برویم "وادی السلام". خیلی استقبال کردیم چون سفر قبل که توفیق زیارت عتبات را داشتیم، ما را وادی السلام نبردند. گفتند امنیت ندارد. ماهم حرف گوش کن بودیم و مثل بعضی ها انفرادی و سر خود نرفتیم. هر چند بعدش که فیلم "صبح روز دهم" را توی جشنواره فیلم فجر دیدیم - قسمت هایی از فیلم توی وادی السلام فیلم برداری شده بود - حسای خلوت و خوفناک بودن آنجا دستگیرمان شد. (فیلم عصر روز دهم چون ایام محرم توی کر بلا فیلم برداری شده. دیدنش رو توصیه میکنیم، قسمت هاییش هم توی بین الحرمینه) رفتیم اتاق آماده شویم که نوای دلنشین یک دسته عزاداری ایرانی ما را به سمت پنجره کشاند. خیلی جالب بود، دسته عزاداری دانش آموزی بود که ظاهر آمی خواستند برای وداع برونند حرم امیرالمومنین و بعد سمت جاده که ربا. سر بند زرد داشتند و پرچم های سیاه "یا ثارات الحسین". محزون می خواندند. تو این لحظه بود که متوجه نکته ای شدید؛ برای اولین بار بود که پشت پنجره اتاق رفته بودیم و بیرون را می دیدیم. شب قبل که رسیدیم هتل، توان تاریکی چشم جایی را نمی دید. به یکباره منظره ای دیدیم که اولش نفهمیدیم کجاست. بیشتر که دقت کردیم فهمیدیم بله! هتل مارو بروی وادی السلام است و پنجره اتاق ما دقیقاً مشرف به آن. بالاخره حول و حوش ساعت ۱۰ گروه را می شد سمت وادی السلام. چقدر شلوغ بود. شاید به خاطر همین شلوغی است که می شود رفت! فضا سنگین بود. بسیاری از مقبره ها به شکل اتاق های زیرزمینی بودند که در آن چند قبر وجود داشت. اجساد چندین متر زیر اتاقک های زیرزمینی خاک شده بودند و به یادشان تنها سنگ قبرهایی در دیواره این اتاقک ها وجود داشت. پستی بلندی قبرها آدم را می گرفت. مقبره ها قدیمی و کاهگلی بودند. جالبه بعضی از قبرها بناهایی بودند حیاط دار. مثل یک خانه درخت و پشت بام داشتند.



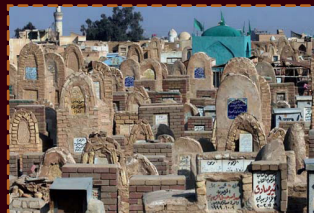
تمام
چیزهای
که از این مکان
شنیده بودم در ذهنم
جان می گرفت. شهر خاموشان
وصالحان. امام علی (علیه السلام)
می فرمایند: در این سرزمین ارواح مؤمنان



دسته دسته با یک دیگر صحبت می کنند و هر مؤمنی
در هر جایی از زمین بمیرد به او گفته می شود: «به وادی السلام
ملحق شو که وادی السلام جایگاهی از بهشت است».

از امام صادق علیه السلام هم نقل شده هر مؤمنی که در شرق یا غرب عالم بمیرد،
خداوند روحش را به وادی السلام می برد. از این قبرستان خداوند هفتاد هزار نفر را بدون حساب
وارد بهشت می کند. به یکباره یاد خبرهای حمله آمریکا به عراق، تیر اندازی به سمت وادی السلام و هتک
حرمتش افتادم. مسیر به سمت مرقد حضرت هود و صالح نبی شلوغ بود. چون ازدحام زیاد بود داخل نرفتیم و چند
دقیقه ای روبروی بقعه ایستادیم. زائرین کشورهای دیگر هم آنجا بودند. بعد از آنجا به سمت مدفن آقای قاضی حرکت کردیم.
کنار قبر آقای قاضی یک سید جوان روحانی ایرانی نشسته بود و درباره مقام معنوی ایشان صحبت می کرد، مقداری هم
موعظه نمود. اتفاقاً کنار قبرشان وجود داشت که درش قفل بود. می گفتند اینجامحل مراقبه ایشان بوده. عکس
آقای قاضی هم سر در اتاقک نصب بود. به قول دوستی، چشم های آقای قاضی حتی توی عکس هم نافذ
است. انگار دارد تک تک زائرینش را برانداز می کند و باطن شان را می بیند. در این قبرستان علاوه
بر قبور اهالی عراق و علما و انبیا، قبور مردم مختلفی از ایران، هند، پاکستان، لبنان و... هم
دیدیم می شود مانند رئیس علی دلواری از دلیر مردان تنگستان بوشهر که در نبرد
با انگلیسی ها کشته شد. نزدیک ظهر بود و تلخی نرسیدن به نماز صبح
حرم در خاطر مان، سریع به هتل برگشتیم و آماده رفتن به حرم
شدیم. نزدیک حرم همان شلوغی و ازدحام بود به اضافه

تلی از دمپایی و کفش جلوی ورودی آقایان. یاد
آیه "فاخلع نعلیک" افتادم. مثل بقیه
دمپایی ها رو به گوشه گذاشتم
و از باب الفیل وارد حرم
شدم.



خطی روشن

زندگی امیرالمؤمنین سر تا پا درس است. آن چیزی که در میان رفتارهای امیرالمؤمنین - که شامل همه‌ی خصلت‌های نیک یک انسان و یک زمامدار است - انسان مشاهده می‌کند و برترین این خصوصیات برای امروز ماست، مسئله‌ی بصیرت بخشی و بصیرت دهی به کسانی است که نیاز به بصیرت دارند؛ یعنی روشن کردن فضا. در همه‌ی ادوار، این شجاعت بی‌پایان، این فداکاری عظیم، در خدمت آگاه کردن مردم، عمق دادن به اندیشه‌ی مردم و ایمان مردم به کار رفته است.

در جنگ صفین وقتی طرف مقابل که احساس میکرد دارد شکست می‌خورد، برای اینکه جنگ را متوقف کند، قرآن‌ها را سرنیزه کرد، یک عده‌ای آمدند دور امیرالمؤمنین را گرفتند و فشار آوردند که باید تسلیم شوی و جنگ را تمام کنی؛ اینها قرآن را مطرح کردند. کار مزورانه‌ای بود، کار عجیبی بود. حضرت فرمود: شما اشتباه میکنید؛ شما اینها را نمیشناسید. این کسانی که امروز قرآن را به عنوان حکم مطرح میکنند، به قرآن اعتقاد ندارند. من اینها را میشناسم. «آنی عرفتم اطفالا و رجالا»؛ من دوره‌ی کودکی اینها را دیدم، دوره‌ی بزرگی اینها را هم دیدم. «فکانوا شر اطفال و شر رجال»؛ بدترین‌ها بودند. اینها به قرآن اعتقادی ندارند. وقتی در تنگنا گیر میکنند، قرآن را مطرح میکنند. البته آنها گوش نکردند، اصرار ورزیدند و دنیای اسلام خسارتش را خورد.

امیرالمؤمنین اهل بصیرت دادن است. امروز ما به این بصیرت احتیاج داریم. امروز دشمنان دنیای اسلام، دشمنان وحدت اسلام، با ابزارهای دین وارد میشوند، با ابزارهای اخلاق وارد میشوند؛ باید هشیار بود. آنجائی که میخواهند افکار عمومی مردم غیرمسلمان را فریب بدهند، نام حقوق بشر را می‌آورند، نام دموکراسی را می‌آورند؛ آنجائی که میخواهند افکار عمومی دنیای اسلام را فریب بدهند، نام قرآن را می‌آورند، نام اسلام را می‌آورند؛ در حالی که نه به اسلام و قرآن اعتقادی دارند، نه به حقوق بشر اعتقادی دارند. این را امت اسلامی باید بداند. ملت ایران در طول این سی سال، سی و یک سال اینها را آزموده است؛ امروز هم باید بدانیم، همه‌ی ما باید بدانیم.

امیرالمؤمنین در آن لحظهای فریب و فتنه، به دوستان خود نهنیب می‌زند: «امضوا علی حککم و صدقکم»؛ این راه حقی که در پیش گرفتید، این حرکت صادقانه‌ای که دارید انجام میدید، این راه را از دست ندهید و رها نکنید؛ با حرفهای فتنه‌گران و فتنه‌انگیزان، در دل شما تزلزل به وجود نیاید؛ «امضوا علی حککم و صدقکم»؛ راهتان راه درستی است. خاصیت دوران فتنه - همان طور که بارها عرض کرده‌ایم - غبار آلودگی است، مه آلودگی است. نجبگان گاهی دچار خطا و اشتباه میشوند. اینجا شاخص لازم است. شاخص، همان حق و صدق و بینه‌ای است که در اختیار مردم قرار دارد. امیرالمؤمنین مردم را به آن راجع میداد. امروز ما هم محتاج همان هستیم.

اسلام به ما میگوید باید جامعه‌ی اسلامی با دستور اسلام اداره و هدایت شود و زندگی کند. اسلام میگوید با دشمنان متعرض بایستی با قدرت برخورد کرد؛ باید مرزبندی روشن و شفاف با آنها به وجود آورد. اسلام میگوید فریب دشمنها را نباید خورد. این، خطر روشن امیرالمؤمنین است؛ امروز هم ما همین خطر روشن را احتیاج داریم.



❖ فصل قافله عشق

قافله عشق در سفر تاریخ است و این تفسیری است بر آنچه فرموده اند: کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا... این سخنی است که پشت شیطان را می لرزاند و یاران حق را به فیضان دائم رحمت او امیدوار می سازد.





روضه

راوی گوید: چون زنان و اهل بیت و عیال امام حسین علیه السلام از شام محنت فرجام آهنگ سرزمین خود نمودند و به عراق رسیدند، به راهنمای کاروان که ملازم رکاب بود، فرمودند: ما را از راه کربلا بپر. پس چون به جایگاه شهدا و دیار غریبان و قتلگاه شهیدان رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری و جماعتی از بنی هاشم را دیدند که با جمعی از آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم به زیارت قبر امام حسین علیه السلام آمده اند و در یک زمان آن بی کسان، با جابر و خویشان، در آن رشک چنان، ملاقات نمودند و به اتفاق هم به گریه و زاری و ناله و سوگواری پرداختند، چنانکه زخم دلها را تازه نمودند و آتش دلهای کباب، راه اشک دیده های پی خواب، سیراب کردند و سینه های تنگ را به ناخن و چنگ خراشیدند. در این هنگام زنان اهل آن وادی بر گرد ایشان فراهم آمدند و چند روزی را در ماتم خانه، عزاداری نمودند.

حکمت پیاده روی اربعین



سؤال می کنند: آقا! این همه وسایل نقلیه هست، چه فایده دارد شما پیاده راه می افتید می روید؟ این چه کاری است؟ چه زحمتی به خودتان می دهید؟

جوابش این است که این یک نوع ابراز عظمت امام حسین (ع) است. عیناً در روایات داریم ائمه پیاده از مدینه می رفتند مکه. امام سجاد (ع) بیست و پنج سفر شاید با پای پیاده رفت. گاهی مرکب هم همراه خودشان می بردند. به دو فایده؛ یک فایده اگر وسط راه ناچار شوند سوار بشوند، دیگر اینکه بگویند از بی مرکبی نیست که ما پیاده می رویم، مرکب هم داریم و پیاده می رویم، این به احترام امام حسین (ع) است.

این یک نوع اظهار عظمت و تجلیل از مقام شامخ اباعبدالله (ع) است. این پیاده رفتن، این دلیل بر این است. و لذا این پیاده روی اربعین خیلی در دنیا صدا می کند؛ و تبلیغ خوبی برای عالم تشیع و عالم اسلام است. یکی از مبلغ های بسیار خوب است.

می دانید که در ایام اربعین، اجتماع در کربلا، از عاشورا بیشتر است، انبوه جمعیت خیلی بیشتر است. آن وقت عده زیادی پیاده، زن، بچه، با اینکه خطراتی هم احتمال می دهند تهدیدشان بکند، باز هم عازم این سفر می شوند. این دلیل بر این است که واقعاً عاشق این مکتب هستند، تنها عشق است که آنها را به این سمت و سو می برد. بنابراین این ایراد یک ایراد

بی دلیل و بیهوده ای هست و آثار و برکات را می بینند و در عین حال باز ایراد می کنند، خیلی دلیل بر بی اطلاعی است.

و اما یک خاطره نیز از این سفر برایتان عرض کنم چرا که تا کنون، دو بار توفیق پیاده روی از نجف تا کربلا را از مسیر شط (رودخانه) که حدود ۲۰ کیلومتر طولانی تر از مسیر کنونی نجف کربلاست و حدود ۳ روز به طول می انجامید؛ داشته ایم:

در راه وقتی به یکی از این مضیف ها رسیدیم، صاحب مضیف دعوت و اصرار کرد که مهمان او بشویم و آنجا استراحت کنیم، به او توضیح دادیم که چون امروز کم راه رفته ایم و باید مسافت بیشتری را طی کنیم، فرصت ماندن نداریم، پس از کمی اصرار او و امتناع ما، ناگهان صاحب مضیف که معلوم بود چند وقتی است که مهمان برایش نرسیده و از این بابت خیلی ناراحت است، ناگهان چاقویش را در آورد و تهدید کرد که من مدتی است مهمان برایم نیامده است و شما حتماً باید مهمان ما بشوید! اینقدر مهمانی کردن زائر امام حسین (ع) در نزد اینها اهمیت و ارزش داشت.... البته بالاخره بعد از اینکه توضیح بیشتری برایش دادیم و قول دادیم که از طرف او زیارت کنیم، اجازه داد که ما

برویم.

آیت الله مکارم شیرازی

تاریخچه پیاده روی اربعین

از هنگامی که نخستین زائر مضجع منور اباعبدالله الحسین (ع)، جابر بن عبدالله انصاری در روز اربعین از مدینه به سمت کربلا رهسپار شد تا کنون ۱۳۷۴ سال می گذرد. در این سال ها علما و اولیای الهی برای زیارت سیدالشهدا (ع) در روز اربعین اهمیت و جایگاه والایی قائل بودند و با پای پیاده از نجف اشرف به سوی کربلا رهسپار می شدند، بی شک جابر بن عبدالله، نخستین زائر کربلای معلی در روز اربعین سال ۶۱ هجری است، این سنت حسنه نیز در سال های حضور ائمه معصومین (ع) با وجود حکومت سفاک و خونریز اموی و عباسی انجام شده است.

در برخی از روایات تاریخی بیان شده است که زیارت کربلا با پای پیاده در زمان «شیخ انصاری» (متوفی سال ۱۲۸۱ قمری) رسم بوده است، اما در برهه ای از زمان به ورطه فراموشی سپرده می شود که در نهایت توسط «شیخ میرزا حسین نوری» دوباره احیا می شود. این عالم بزرگوار اولین بار در عید قربان به پیاده روی از نجف تا کربلا اقدام کرد که ۳ روز در راه بود و حدود ۳۰ نفر از دوستان و اطرافیان نیز وی را همراهی می کردند. «محدث نوری» از آن پس تصمیم گرفت، هر سال این کار را تکرار کند، ایشان آخرین بار در سال ۱۳۱۹ هجری با پای پیاده به زیارت حرم اباعبدالله حسین (ع) رفت.



نتایج تحقیقات نشان می دهد پیاده روی مراجع و علما تا زمان صدام ادامه داشته است، اما از زمانی که او در سال ۱۳۵۸ (۱۴۰۰ قمری) به ریاست جمهوری عراق رسید تا زمانی که در سال ۱۳۸۱ شمسی (۱۴۲۴ قمری) سقوط کرد، وقفه ای در اجرای مراسم عزاداری باشکوه و پیاده روی های دسته جمعی ایجاد شد، هر چند که برخی اخبار حکایت از پیاده روی مخفی مردم در زمان صدام داشته است که گاهی منجر به شهادت این افراد توسط نیروی های بعث شده، اما مردم عراق با سقوط صدام، بار دیگر عشق و علاقه وصف ناپذیر خود به امام حسین (ع) را طی این ۱۰ سال به جهانیان ثابت کرده اند که در کنار دیگر محبان و شیعیان اهل بیت از کشورهای ایران، لبنان، پاکستان، هند، لبنان، قطر، امارات، کویت، بحرین و ... مراسم اربعین حسینی را با شکوه تراز سال قبل اجرا می کنند.



✽ رکورد دار پیاده روی نجف تا کربلا

بیش از ۱۳ قرن از واقعه جانشسوز عاشورا می گذرد. کربلا که در نخستین اربعین حسینی شاهد حضور جابر بن عبدالله انصاری بود، بعد از آن نیز عاشقان دیگری را زیارت کرد که با پای پیاده از اقصی نقاط جهان در سالروز اربعین سید و سالار شهیدان سراسیمه همراه با عشق آتشین به مولای خویش رهسپار سرزمین حسینی شدند.

این سنت حسنه از چنان اهمیت والایی برخوردار است که صادق امت رسول (ص) این چنین از ارزش پیاده روی به سوی حرم مطهر اباعبدالله الحسین (ع) سخن می گوید: کسی که با پای پیاده به زیارت امام حسین (ع) برود، خداوند به هر قدمی که بر می دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید و یک درجه مرتبه اش را بالا می برد، وقتی به زیارت رفت، حق تعالی دو فرشته را موكل او می فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر و بد است را ننویسند و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می گویند: ای ولی خدا! گناهانت آمرزیده شد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسولش هستی، به خدا قسم! هرگز تو آتش را به چشم نخواهی دید و آتش نیز هرگز تو را نخواهد دید و تو اطاعمه خود نخواهد کرد. (کامل الزیارات ص ۱۳۴)

در این میان علمای بزرگوار بودند که با وجود مشکلات زیاد مسیر کربلا، خطرات را به جان می خریدند و از نجف تا کربلا را گاه با پای برهنه طی می کردند. سید آزادگان حجت الاسلام سید علی اکبر ابوترابی از جمله آن هاست، وی در خاطرات خود چنین بیان می کند: «در دوران طلبگی در شهر نجف بیش از ۱۰۰ مرتبه این مسیر را پیاده به عشق زیارت امام حسین (ع) طی کرده ام». عشق و علاقه حجت الاسلام ابوترابی به حدی بود که پس از آزادی با وجود بسته بودن مرز کربلا در سال ۱۳۷۲، برای نخستین بار و در مرز خسروی، مراسم قرائت دعای عرفه را برگزار کرد.

وی با جمعیت اندکی بانیّت باز شدن راه کربلا و پیمودن مسیر زیارت، با پای پیاده از تنگه مرصاد تا مرز خسروی را به مدت ۳ روز پیاده طی کرد.





بهترین سفر دنیا



یک نکته مخصوصاً برای جوان‌ها. پیر مردها شاید برای‌شان سخت باشد، ولی آن‌ها را هم تشویق می‌کنم. برنامه‌ای بریزید، دو سه روز قبل از اربعین به نجف بروید. بعد از آن جا پیاده بروید کر بلا، بنده سفرهای بسیار زیادی کرده‌ام، ولی هیچ سفری مانند سفر پیاده به کر بلا سراغ ندارم. یواش یواش بروید. اگر یک روز و نیم طول می‌کشد، شهادت روز و روز بروید، سه روزه بروید. اثر عجیب و غریبی دارد. در میان راه، اعراب به

زوار بسیار محبت می‌کنند. هر کس هر طور که بلد است به زوار کمک می‌کند. تنها برای امام حسین علیه السلام این کارها را می‌کنند. مانند ماساژ دادن، غذا و جادادن و.... زمانی که انسان فکر می‌کند می‌بیند، در همین راه بچه‌های امام حسین علیه السلام را بزدیان کتک زده‌اند. حتی اگر انسان میلیاری هم خرج کند، می‌ارزد. همه چیز برای انسان عوض می‌شود. شنیده‌ام که برخی از بزرگان مثل آیت الله سید محمود شاه‌رودی اعلی الله مقامه الشریف که از مراجع بودند، به تعدد مسیر نجف تا کر بلا پیاده رفته‌اند. خیلی دیدنی است. یکی از برادران عراقی می‌گفت: در بین ما رسم است که یک قلک برای امام حسین علیه السلام داریم و نصف درآمد خود را در آن می‌ریزیم تا در روز اربعین امام حسین علیه السلام خرج کنیم، تا وقتی که زوار امام حسین علیه السلام می‌آیند کمتر اذیت بشوند.

حجت الاسلام والمسلمین آقا تهران‌ای



❖ ما واقعاً به ثواب زیارت کربلا محتاج هستیم

توصیف‌ها و پیشنهادهای خواندنی پناهیان برای زائرین پیادهٔ اربعین

همه ما باید عمیقاً بفهمیم چرا زیارت قبر ابا عبدالله (ع) این قدر ارزش و اهمیت دارد؟

- جدا از جنبه‌های اجتماعی و آثار عظیمی که زیارت کربلای ابا عبدالله (ع) به ویژه در تجمع ایام اربعین، در عالم به جای می‌گذارد، نکتهٔ مهمی که زائرین و راهیان کربلای معلی باید مورد توجه قرار دهند، جنبه‌های معنوی این زیارت بابرکت است.
- همهٔ ما باید عمیقاً بفهمیم چرا زیارت قبر ابا عبدالله (ع) این قدر ارزش و اهمیت دارد؟ فهم عمیق این معنائیل به یک شرافت و توفیق بزرگ الهی است، که باید آن را از خدا تمنا کرد و با مطالعه و تحقیق صرف به دست نمی‌آید. ما می‌توانیم احادیثی را در این باره مطالعه کنیم، اما اینکه به فهم عمیق آن برسیم توفیق ویژه‌ای می‌خواهد.

• به عنوان مثال حضرت امام (ره) دربارهٔ عظمت عزاداری‌های ابا عبدالله (ع) و دسته‌های عزاداری مطالبی را بیان می‌کنند (صحیفه امام/ ج ۱۱/ صص ۹۸ و ۹۹) که انسان احساس می‌کند خیلی هانمی‌توانند این عظمت را به این وضوح و عمق ببینند و درک کنند. گویی حضرت امام (ره) شهودی دیگر از عظمت عزاداری داشتند که در کلمات نمی‌گنجد. کلمات ایشان سرشار از غیر قابل وصف بودن آثار با عظمت این عزاداری‌هاست. هر قدمی که برای زیارت ابا عبدالله (ع) بر می‌داریم برای ما مغفرت است، ما همیشه به استغفار نیاز داریم و زیارت کربلا خصوصاً با پای پیاده، یک فرصت استثنایی برای مغفرت است.

• امام صادق (ع) به یکی از دوستان خود می فرماید: قبر حسین (ع) را زیارت کن و ترک مکن. پرسیدم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمود: کسی که با پای پیاده به زیارت امام حسین (ع) برود خداوند به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید و یک درجه مرتبه اش را بالا می برد. بر اساس روایات مختلف، هر قدمی که برای زیارت اباعبدالله (ع) برمی داریم برای ما مغفرت است و طلب مغفرت هم چیزی نیست که مافقط در برخی لحظات خاص، یا به مقدار محدود به آن نیاز داشته باشیم، بلکه ما همیشه به استغفار نیاز داریم و زیارت کربلا، خصوصاً با پای پیاده یک فرصت استثنائی برای مغفرت است. وقتی رسول خدا (ص) روزی صد مرتبه طلب مغفرت می کردند (رسول اکرم (ص) فرمود: هر روز بر روی قلبم غبار می نشیند، تا اینکه (برای برطرف کردنش)، روزی صد مرتبه استغفار می کنم؛ إِنَّهُ لَيَغَانُ عَلَى قَلْبِي حَتَّى أَسْتَغْفِرَ فِي الْيَوْمِ مِائَةً مَرَّةً؛ مستدرک الوسائل / ۵/ حدیث ۵۹۷۸)، تکلیف ما مشخص است.

• طلب مغفرت چیزی نیست که حدی داشته باشد و بعد از آن دیگر نیازی به استغفار نداشته باشیم. با هر طلب مغفرت، موانعی بین ما و خدا بر طرف می شود و راه باز می شود و نور و شایستگی می آید. آدم باید نسبت به طلب مغفرت حریص باشد. مغفرت یک مسئله تمام شدنی نیست. هر چقدر هم که پاک شویم باز هم به مغفرت نیاز داریم. چون پاک شدن یعنی خدایی شدن و این انتها و پایان ندارد؛ بلکه یک جریان مستمر است. مؤدۀ رسول خدا (ص) به زائرین پیادۀ حسین (ع): گناهان گذشته شما بخشیده شد، حالایک زندگی تازه را شروع کنید

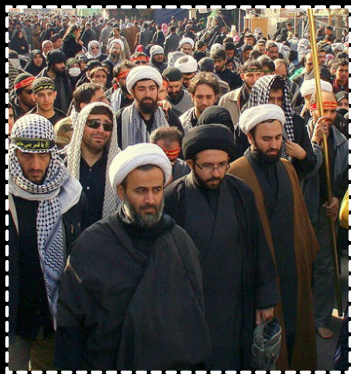
• بر اساس روایت فوق، مؤدۀ رسول الله (ص) به زائرین پیادۀ حسین (ع) این است که: «تا امروز تو آنچه (گناه) بوده است بخشیده شد، پس برو عملت را از سر بگیر و زندگی تازه ای را آغاز کن.» چه کسی به چنین مؤدۀ ای بی نیاز است؟ سفر کربلا به خصوص اگر با پای پیاده باشد، سفر پاک کننده روح از آلودگی هاست/ این سفر راه یک سفر تزکیه ای برای خودتان تبدیل کنید

• سفر کربلا به خصوص اگر با پای پیاده باشد، سفر پاک کننده روح از آلودگی هاست، لباس عزای ما و لباس سیاهی که برای عزای امام حسین (ع) در ایام اربعین می پوشیم این راه نوعی لباس احرام برای خود بینیم. باید این سفر را سفر پاکی ها بینیم تا بهره بیشتری از آن ببریم. اثر امور معنوی بر روح انسان مانند اثر داروها (مثل قرص آنتی بیوتیک) بر جسم انسان نیست که اگر اثر آنها را بدانیم یا ندانیم به هر حال اثر خود را بر بدن بگذارند، در مورد امور معنوی هر چه معرفت و درک بیشتری داشته باشیم اثر بیشتری بر روح ما خواهند داشت.

• بعضی هامی پرسند: ما که عازم کربلا هستیم چه کار کنیم تا بهره بیشتری ببریم و چه مقدماتی باید به لحاظ روحی فراهم کنیم؟ همین احساس نیاز به مغفرت، احساس حضور در محضر ائمه هدی (ع) و مصاحبت با پروردگار عالم، اینها مقدمات فکری و روحی بسیار خوبی هستند. این دیگر هنر شماست که این سفر راه یک سفر تزکیه ای برای خودتان تبدیل کنید.

احساس زیبای دیگری که زائرین کربلا دارند، احساس شرمندگی نسبت به اباعبدالله (ع) است. وقتی می بینیم که حسین (ع) برای آمرزش ما چه هزینه سنگینی پرداخته است، شرمنده می شویم.

• غیر از این احساس زیبای که در طول سفر کربلا خواهید داشت، یک احساس دیگر نیز در این سفر معنوی می توانید داشته باشید و آن احساس شرمندگی نسبت به اباعبدالله (ع) است. اینکه بگوییم: یا اباعبدالله (ع) شما این همه زجر در راه خدا متحمل شدی و این همه شکنجه ای که بجه هایت شدند، در مقابل ما کاری برای تو و در راه خدای تو انجام ندادیم، از طرفی ما را به واسطۀ محبت تو می بخشد



برای شرمندگی ما تا بد پس است، وقتی می بینیم که حسین (ع) برای هدایت ما چه هزینه سنگینی پرداخته است، شرمنده می شویم و این در حالی است که می بینیم ما هیچ کاری برای حسین (ع) نمی توانیم انجام دهیم. ما واقعاً به ثواب زیارت کربلا محتاج هستیم. وقتی در روز جزا از کوچکترین گناهان هم نمی گذرند، (وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ زلزال/ ۸) و از سوی دیگر وقتی می بینیم هیچ پاک کننده ای مانند اشک بر ابعاد الله (ع) و زیارت قبر ابعاد الله (ع) نیست، واقعاً خودمان را به این زیارت و به این عزاداری محتاج می بینیم. انشاء الله این توجه معنوی بالا برود.

آثار معنوی زائران پس از بازگشت به اطرافیان و جامعه هم می رسد...

• همین که شما زائرین به کربلا بروید و ببینید تمام آثار معنوی شما به شهر و جامعه هم خواهد رسید. حالا حساب کنید اگر این جمعیت کثیر برای زیارت اربعین به کربلا بروند و باز گردند چه آثار معنوی عظیمی برای اطرافیان و جامعه به دنبال خواهد داشت؟! البته تحلیل این آثار کار ساده ای نیست، مگر کسی به این سادگی فهمیده است این سخن امام را که فرمود: «الآن هزار و چهار صد سال است که با این منبرها و با این روضه ها و با این مصیبتها و با این سینه زنیها ما را حفظ کرده اند؛ تا حالا آورده اند اسلام را» (صحیفه امام/ ج ۸/ ص ۵۲۶)؟ خداوند در مورد شما می فرماید: «وَالَّذِينَ قِيلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ» (محمد/ ۴) خداوند کسانی را که در راه خدا به شهادت می رسند عملشان را تباہ نخواهد نکرد (و اثر ویژه ای به اعمال آنها می دهد) قطعاً این اثر در مورد ابعاد الله (ع) در اوج است. ما هم می توانیم خودمان را در شعاع اثر خون ابعاد الله (ع) قرار دهیم و از این اثر ویژه بر خوردار شویم. همه کسانی که انشاء الله در ایام اربعین حسینی عازم کربلا هستند، حتماً به این بُعد سفر و به جنبه پاک کنندگی آن توجه داشته باشند. یعنی تنها جنبه محبت و رابطه عاشقانه با اهل بیت (ع) را در نظر نگیریم؛ خودمان و گناهانمان و شرمندگی خود را فراموش نکنیم. این خیلی آثار و برکات دارد که ما از نظر معنوی به شدت خودمان را محتاج به این سفر بدانیم، و خودمان را به شدت نیازمند به این مغفرت و غفران الهی بدانیم.



لیک یا حسین

برای اولین بار قرار شد کل مسیر نجف تا کربلا را به اتفاق یک جمع چهل نفره پیاده برویم. به ذهنم رسید که برای اینکه توی جمعیت یک نشانه‌ای داشته باشیم و همراهان کاروان بتوانند همدیگر را پیدا کنند، باید یک پرچم متفاوت داشته باشیم. به مسئول هتل سپرده بودم که یک چوب پرچم و نوشته برایشان جور کند.

بعد از نماز صبح، دسته جمعی مجدداً از همان دور زیارت وداع امیرالمؤمنین (ع) را خواندیم و راه افتادیم. مسئول هتل کاری نکرده بود و نگرانی گم کردن همدیگر در این جمعیت باقی بود. تا اول جاده که موکب‌ها بودند، یک ساعتی راه بود و رفقا صبحانه نخورده بودند. به بهانه خرید صبحانه با یکی از بچه‌ها جدا شدیم. بعد از کمی جستجو بالاخره یک پارچه فروشی پیدا کردیم و کمی بعدتر مغازه میله پرچم را هم پیدا کردیم. دو میله ۴ متری خریدیم. مغازه خیاطی بسته بود، اما یک تعمیرکار کفش وسط خیابان بساطش را پهن کرده بود و ماشین دوخت هم داشت. قبول کرد کناره پارچه را بدوزد.

اما مغازه‌های خطاطی همه بسته بودند و در مسیر پیاده روی اربعین بودند. یادم آمد که استاد نجابتی -استاد و مدرس گرافیک در دانشگاه هنر، که لایه خطاطی هم بلد است- همراه جمع ما بود. چندتا مازیک قرمز خریدیم و با صبحانه راه افتادیم. بالاخره بعد از چند ساعت خودمان را به کاروان رساندیم. کمی که راه رفتیم، بچه‌ها در یکی از موکب‌ها برای استراحت و نماز ظهر توقف کردند. استاد نجابتی هم -که یک پارچه

دور سرش بسته بود و دیدنی شده بود- آستین‌ها را برای وضو گرفتن بالا زده بود. استاد کم حرف بود. من هم آشنایی و شناخت قبلی چندانی از استاد و روحیاتش نداشتم. نمی‌دانستم اهل خطاطی هستند و با این وسایل و در این شرایط قبول می‌کنند یا نه. با اینکه پر حرف هستم، هیچ حرفی نزدیم. پارچه سفیدی که خریده بودم را در یک فضای خالی پهن کردم. بعد یک نگاه به استاد کردم. استاد هم انگار منتظر این بود که یک کاری برای امام حسین (ع) بکند، نه گذاشت، نه برداشت، گفت: مداد یا خودکار هست؟

بعدا فهمیدم استاد در جبهه به همین شیوه صحرايي خطاطی می‌کرده. مداد و خودکار جور شد. متن نوشته را هم خودشان پیشنهاد کردند: «لیک یا حسین». ادامه داستان -که قسمت قشنگ داستان است، توسط یکی از هم‌کاروانی حاضر شد که توی مستند

لیک یا حسین

«با اهل العالم» بخشهایی از آن پخش شد. این پرچم بلند که ارتفاع میلش ۴ متر بود، برای همه کاروان خیلی خاطره انگیز شد. چه گم شده‌هایی که با این پرچم پیدا شدند و چه دعوای دوستانه‌ای که بر سر به دست گرفتنش نشد. بعد از سفر، استاد وعده کرد که نسخه با کیفیت این پرچم را بازطراحی کند تا در کارهای اربعینی و حسینی برای عموم قابل استفاده باشد.



یادداشت‌های یک همسفر ج‌امانده...

منم سال گذشته توفیق داشتم همسفر کاروان عاشقان پیاده روی اربعین باشم. دیدم بدن نیست برخی تجربه‌هایی که برای این سفر، خیلی ضروری می‌دونم با هات در میان بگذارم شاید به دردت خورد. همه احتمالا توصیه‌های زیادی بهت داشته‌اند که مثلاً چی همراه ببری و چقدر بار داشته باشی یا چه کفشی بپوشی و چی بخوری و چی نخوری و یا حتی قرص ایبوپروفن برای عضله درد....

اما جنس حرفایی که می‌خوام بگم به جور دیگه است. حرفاییه که وقتی از سفر برگشتم بارها اونارو با خودم مرور کردم و خودمو سرزنش کردم که چرا به اوناکم توجهی کردم و شاید خودتم سال دیگه یا حتی بلافاصله بعد از برگشتن از سفر اونارو بارها با خودت زمزمه کنی و افسوس بخوری. زمانی که دیگه یه کم دیر شده و پشیمونی فایده‌ای نداره. ما امتحان شدیم، شمام امتحان می‌شی همه امتحان می‌شن مهم اینه که بتونیم تو این امتحان موفق باشیم. اصلاً فرض کن می‌خوام نمونه سوالاتی امتحان پار سال رو برات فاش کنم!

می‌خوام وقتی رسیدی و دیدی حرم مولا امام حسین (ع)، با حرم امامزاده حسین فرق چندانی برات نداره و قلبت خاشع و محزون نمیشه یا رسیدی و احساس کردی اون برداشت معنوی لازم رو از این سفر نمی‌بری و یا برگشتی و حسرت خوردی، بدانگی کسی نبود بهم بگه! به هر حال اگه این مطالبو خوندی و احساس کردی که به دردت نمی‌خوره که هیچ، اما اگه احساس کردی به دردت می‌خوره قول بده نایب‌الزباره ما هم باشی و دعا کنی که آقا مومن مارو هم بپذیرن و توفیق انجام رسالت و مسئولیت شیعه بودنمون از مون سلب نشه.

۱) راستی اسلامی دونی مهمترین انگیزه و هدف از این سفر و این پیاده روی چیه؟ واقعا شده بشینی و فکر کنی برای چی به این سفر اومدی؟ این که می‌گم بشینی و فکر کنی، منظورم اینه که اولاً باید آگاهانه باشه و ثانیاً رودربایستی با خودتو بذاری کنار و کاملاً صادقانه به

خودت جواب بدی. چرا اومدی؟ برای ثوابش؟ نکنه حاجتی داری؟ شایدم اومدی خودتو برای به عمر بیمه کنی؟ برای هدایت و مغفرت اومدی؟ شایدم می‌خوای آخرت و بهشتتو بیمه کنی؟ یا نه جواب می‌دی برای عشقم اومدم؟ عشقم حسینه؟...

خب همه اینا خیلی خوبه و همش مستلزم ثواب و پاداش الهیه ولی دقت کردی همه این انگیزه ها واسه خودته؟ حاجت من!... ثواب من!... عشق من!... پس کومولا؟ چند در صد انگیزه و هدف مال خود خود خود امام حسینه؟ شاید برسی چطور می‌شه طوری هدفگذاری کرد که اصلا پای «من» در میان نباشه و هر چه هست همه «او» باشه؟ مگه اصلا امام حسین (ع) به زیارت ما احتیاج داره که برای ایشون بیاییم زیارت؟

جواب این سوال خیلی مفصله و البته خودتم بهتر از من می‌دونی، ولی همینقدر بهت بگم اگه فکر می‌کنی عاشورا فقط یک حادثه و مصیبتی بود که در یک برهه زمانی خاصی اتفاق افتاده و ربطی به زمان حاضر نداره و وظیفه ما فقط عزاداری است و بس، که هیچ! برای خودت بیاز یارت! اما اگه نگاهت به عاشورا به مثابه یک نهضت جاری یعنی یک جریان فکری عقیدتی و انقلابی است که از عاشورای سال ۶۱ شروع شده و تا حالا هم ادامه داره و قراره به ظهور مولاعج (ع) ختم بشه، قضیه فرق می‌کنه. در این صورت دیگه اتفاقات و وقایع سال ۶۱ رو مختص سال ۶۱ نمی‌دونی و در کل این جریان، جاری و ساری می‌دونی. خودتو در متن عاشورا حاضر و ناظر می‌بینی و معرکه درگیری جریان حسین و ولایت و حق و عدالت، با جریان اموی و ظلم و فساد و کفر، آشکارا در جلوی چشمان توست و در پی این هستی که موضع خودتو در این تقابل جریانها روشن کنی. پس نمی‌گی به جایی خوندم که امام حسین (ع) فرمودند: «هل من ناصر ینصرنی» بلکه دیگه می‌گی که گویا همین الان می‌شنوم که امام حسین (ع) می‌فرمایند: «آیا کسی هست که مرا یاری کند؟» اونوقت در وسط این کارزار عاشورایی، تحمل روزمرگی این زندگی پر عافیت برات سخت می‌شه، امامم مرا می‌خواند! چطور می‌تونم سکوت کنم؟ چطور می‌تونم بی تفاوت و تنها نظاره گر باشم؟ اونوقت تصمیم می‌گیری که آگاهانه و عاشقانه و خالصانه در برابر یاری خواهی امام (ع) دست رو بلند کنی و بگی: من! من! من! هستم مولا، تا آخرش هستم!... می‌دونی که یاری امام حسین (ع) در حقیقت یاری مرام ایشونه...

آره دوست من، سفر اربعین سفر بیعت و تعهد، سفر رسالت و بصیرت، سفریه که باید همه اون «من» های قبلی رو قربانی این «من» آخری کنی. هدف باید یاری امام حسین (ع) و مرام ایشون باشه و بس. چطور می‌شه؟ چطور بشود باز به عهده ولایت، توقف اعلام حضور کن بقیشو خودتون ردیف می‌کنن. توقف بگو که من اومدم بگم که به رسالت شیعه بودنم آگاهم و از این به بعد می‌خوام شیعه بودنم رو طور دیگه ای تعریف کنم: «شیعه بودن یعنی تعهد عمیق به رسالت و نقش تاریخی ام نسبت به ولایت». اینطوری هدف و نیت می‌شه برای خود اقامام حسین (ع). هم اقامون امام حسین (ع) و هم اقامون امام مهدی (عج). چرا که عاشورا و انتظار رابه هم پیوند زده ای و خودت رابه موج جریان عاشورا به ظهور سپرده ای.

۲) البته حتما خودت فکر کرده بودی که اینهمه راه می‌ری که وقتی به حرم آقا رسیدی چی بگی. اما واقعا آخرش که چی؟ این همه زحمت و پیاده روی و سختی که وقتی اونجا رسیدی چی بگی؟ بگی آقا پول؟ شفا؟ خونه؟ دانشگاه؟ همسر؟ بهشت؟ همه! اینا خوبه ها، بخواه، ولی یادت باشه اولین و مهمترین حرفی که حالا که بهش رسیدی و بعد از اینهمه عزاداری و نوکری، حضور می‌خواهی خدای به مولا بگی به چیز دیگه است. اومدی بهش بگی اقامنم هستم روی منم حساب کنید. قول من مثل قول کوفی هانیست. دیگه تحمل زندگی در دنیایی که انتقام خون تو گرفته نشده باشه برام خیلی سخت و طاقت فرساشده، اومدی بگی اگر چه کمی دیر ولی بالاخره رسیدم مرا هم مثل حر بپذیر.

اومدی تعهد بدی ورگ گردنت رایہ ضمانت بگذاری وبری . بگو می اونم و آگاهم که راهی که امروز در اون قدم گذاشته ام آخرش شیرینه . اونم از نوع «حلی من العسل»! در اینصورت لبخند رضایت آقا، دور از انتظار نیست . یادت باشه این فرصت رو به خاطر چند تا حاجت و خواسته معمولی از دست ندی! این حاجت هارو از خونه تون هم بخوای بهت میدن . خواستو جمع کن . اربعین روز به که گفتند همه شیعه اونجا جمع شه . حتما خبر مهمیه که همه رو جمع کردن مهمتر از خواسته های شخصی من و تو . زرنگ باش دوست من!!

۳) مراقب باش وقتی رسیدی گرفتار گناه عجب و خودبرتربینی نشی و از خودت خیلی خوشش نیاد . وقتی خسته و کوفته و باگرد سفر و پاهای تاول زده ، اون هم با سابقه ای از نوکری اهل بیت ، به کربلا رسیدی و به زیارت امام (ع) رفتی خیال نکنی کاری کردی و حالا کسی شدی و امام (ع) هم حالا دیده کارت شده و حتما باید بهت جواب خاص بده . احساسات این نباشه که : یا ابا عبدالله من اومدم ، من! من که به عشق تو سه روزه دارم پیاده میام زیارتت! ... دوست من بدان هر وقت که این احساس بهت دست داد بدان همه چیز رو خراب کردی و اگه توجهی بهت نکردن مقصر خودتی .

۴) نکته بعدی این که ، وقتی پای صحبت اصحاب عرفان و معرفت می شینیم به یه مسئله در زیارت امام حسین (ع) تاکید زیادی دارند و اون هم رعایت ادب و تواضع و عدم خنده و شوخی و رفتارهای خلاف ادب محضر کربلاست و اونو یکی از موانع مهم می دونند . کربلا سرزمین حزن شیعه است و ادب کربلا رعایت حالت حزن و اندوه است . اینهمه در طول عمر خود لپو و لعب کردیم و رفتارهای شوخ و شنگی داشتیم و خوش بودیم سعی کنیم چند روز از این کار هادوری کنیم . بعدا هم فرصت برای این کار از یاد.

۵) بهترین رفیق راه ما مخصوصا در سه روز پیاده روی ، استغفار مداوم ، ذکر خدا ، تفکر در مورد قیام عاشورا و چرایی حضور مادر این سفر و البته نجوایی درونی و عاشقانه با امام حسین (ع) و یاران ایشان و شهدای کربلاست . اینارو گفتیم که بعدا نگی نگفتی .

۶) راستی! می گم نکنه یه وقت نیتت از این سفر خالص نباشه و خدای نکرده تفاخر و ریا و چشم و هم چشمی و از این مسایل باشه؟ نه! شما که از این مسایل خیلی پری هستید . ولی به هر حال نوع سفر طوریه که خیلی می تونه وسوسه انگیز باشه . پیاده رفتن برای زیارت امام حسین (ع)! اونم در روز اربعین! اونم از نجف تا کربلا! همه بهمون می گن خوش به حالتون . کلی احساس کیف و افتخار می کنیم! خیلی خطرناکه . حتی اگه نیتمون هم قبل و حین سفر ، خالص باشه بعدا از سفر خیلی ممکنه دچار سمعه و عجب بشیم!



۷) همیشه و مخصوصاً در طی این سفر خیلی به نماز اول وقت و جماعت اهمیت بدیم. یادمون باشه که به زیارت کسی می ریم که در سخت ترین شرایط و بایدترین تهدیدات هم نماز اول وقت رو رها نکند.

۸) تواضع در راه رفتن، رعایت ادب نسبت به همه، گذشت در مواقع خاص و مسایل اخلاقی از این قبیل خیلی مهمند مخصوصاً هر چقدر که به مقصد نزدیک تر می شوی مهم تر هم می شوند. حواسمون باشه گاهی یک رفتار اشتباه می تونه کل سفر ما رو خراب کنه، شیطان هم از این مسئله آگاه و تمام تلاششو در این رابطه انجام می ده.

۹) یکی از دام های جالب شیطان در این سفر بر می گرده به ابراز ارادت هایی که اهالی محلی برای زوار ابا عبدالله الحسین (ع) می کنند و موب های فراوانی که در کل مسیر تقریباً به حالت غیر منقطع برای پذیرایی از شما زائران برپا کرده اند. انواع خدمات و پذیرایی ها و غذاها و نوشیدنی ها و میوه ها و تنقلات بدون هیچ منتی آماده ارایه به شماست.

نکته ای که می خواستم بگم اینه که گاهی ممکنه گرفتار پر خوری و لذت پر کردن شکم بشیم. علمای گن پر خوری موجب قساوت قلب میشه و حس و حال معنوی رو از شما می گیره و معمولاً یکی از توصیه های مهم در زیارتها مخصوصاً زیارت کربلا اینه که تامل کنید. بخورید. فقط هم بحث پر خوری نیست حتی خلاف ادب زیارت کربلا هم هست. توصیه می کنم در حداقل نیاز از این غذاها استفاده کنید و بقیه اش رو فقط از دیدن ابراز ارادت عاشقان مولانا لذت ببرید. حتی کمی گرسنگی و تشنگی هم بد نیست. بهتر یشو که ماهی سرخ شده باشه شما بارها خوردید و بعداً هم فرصت برای خوردن زیاد خواهید داشت، سعی کنید این فرصت محدود و استثنایی و این همه زحمت خودتون رو به خاطر ارضاء هوس شکم از دست ندید.

۱۰) در هنگام طی مسیر و پیاده روی، خیلی به آخر مسیر فکر نکنید و منتظر تموم شدن راه نباشید، این کار، هم شمارو خسته می کنه و هم تواضع و ادب شمارو کم می کنه (البته منظورم اشتیاق رسیدن به مقصد نیست که این ارزشمند، منظورم میل به تمام شدن پیاده روی است). بهترین کار در طی راه، استغفار و ذکر و تفکر و نجواست، مسیر خودش تموم میشه.

۱۱) میگم نکنه به وقت خستگی یا سختی راه باعث بشه جاذبانی و ابراز پشیمونی کنی، حتی به شوخی! اهل بیت هدیه بامنت قبول نمی کنن! حواست باشه این بر خلاف ادب و موجب می شه خیلی از توفیقات رو توی این سفر از دست بدی. یا مثلاً اگر قراره صورتت آفتاب سوخته بشه و بعدش توی دلت بگی آه... از همون اول کلاه آفتاب گیر بردار یا چفیه ببند به صورتت که بعداً به اه گفتن نیفتی. در مورد بقیه چیزا هم همینطور.

۱۲) همونطور که گفتیم خیلی مهمه که وسط کار جاذبانی. لازم شه هم اینه که فکر همه چی شو کرده باشی و آماده باشی. الحمدلله مسیر نجف - کربلا به لطف خدا مسیر امنیه و مشکلی نیست. اما سوالم اینه: فرض کن اگر حالا به تروریستی هوس کردی به ترفه کوچولو تر کونه این به اشتیاق اضافه می کنه یا به ترست؟ سبب نمیشه تصمیم بگیری از وسط راه برگردی؟ قدم تو این راه گذاشتی فکر همه جاشو کردی؟ اصلاً وصیت نامتو نوشتی که توش قید کرده باشی «خدا یا تورا شاكرم که شهادت در راه خودت و اهل بیت را روزیم نمودی»؟ خیلی مهمه که قبل از فکر کرده باشی تا کجا ش هستی. تا آخرش یا نایمجه راه؟

۱۳) آخرین نکته ای که می خواستم بگم اینه که تو این سفر اگر به وقت نقصی تو پذیرایی و هتل و اتوبوس و... دیدی گذشت کن، سر بسته بگم، مهمه که بدونیم کجاییم. بیشتر از زمین های شهر کربلا بخشی از معرکه جنگ بوده و وجب به وجبش راوی حماسه و حزن و مصیبت و زیبایی و عشق بازی هاست. بدان که این ملک، ملکوت است، بر خاک قدم نگذاشته ای بر افلاک قدم گذاشته ای. (مهدی - م)

اطلاعات عمومی برای پیاده روی

- فاصله نجف تا کر بلا چقدر است و چه مدت پیاده خواهیم رفت؟
فاصله ی خروجی شهر نجف تا ابتدای شهر کر بلا حدود ۸۰ کیلومتر است. معمولاً این مسافت را در ۳ روز و ۲ شب طی میکنند. یعنی از صبح زود سه روز مانده به اربعین حرکت کرده و شب اربعین به کر بلا می رسند.

- آیا حتماً باید کل مسیر را پیاده برویم؟
خیر! هر چند که لحظه ی رسیدن به کر بلا به صورت پیاده لحظه ی فوق العاده ای است و تجربه ی طول مسیر باعث می شود خستگی از یاد انسان برود اما اگر زائری به هر دلیل قادر به طی کردن راه به صورت پیاده نباشد می تواند به وسیله خودرو هایی که بین راه وجود دارد بقیه مسیر را با ماشین طی کند. این خودرو ها را ارتش آماده کرده است و معمولاً زائرین را به صورت گروهی تا کر بلا می برند.

- آیا در طول مسیر از هم کاروانی ها جدا خواهیم شد؟
بستگی به توافق شما با هم کاروانی هایتان دارد. بعضی از کاروان ها به صورت گروهی حرکت می کنند و تا کر بلا با هم می رسند. برخی قرار می گذارند که مثلاً عصر اربعین یا شب اربعین فلان جا حضور داشته باشید.

- چه کنیم که در حرکت های گروهی و دسته ای گم نشویم؟
استفاده از پرچمی که به نوعی نشان دسته ی شما خواهد بود مطمئناً خوب است اما با توجه به اینکه این پرچم باید نسبتاً بلند باشد تا دیده شود دو تا مشکل اساسی دارد: اولاً اینکه کسی که این پرچم را حمل می کند مطمئناً انرژی زیادی از دست خواهد داد و باید این پرچم دست به دست شود. ثانیاً در طول مسیر تعداد پرچم ها خیلی زیاد است و تقریباً پیدا کردن پرچم کار ساده ای نیست. مگر آنکه رنگ و نوع پرچم خیلی متمایز باشد. تمام طول مسیر پیاده روی از خروجی نجف تا ورودی کر بلا تیر های چراغ برقی وجود دارد که شماره گذاری شده اند. از ۱ تا ۱۴۶۰ هر کدام از این تیر ها با هم دقیقاً ۵۰ متر فاصله دارند. به نوعی خط نشان هستند که چقدر از مسیر را طی کرده و چه قدر باقی است. معمولاً برای اینکه هم کاروانی ها با هم قرار بگذارند از شماره های این تیر ها که سمت چپ یا راست مسیر پیاده روی قرار دارد استفاده می کنند.

- امنیت در طول مسیر چگونه است؟ آیا اینکه ماد و شب در طول مسیر هستیم امن هست؟

امنیت بین نجف تا کربلا خیلی خوب است و در سنوات گذشته در این مسیر انفجار یا خرابکاری اتفاق نیفتاده است هر چند که در مسیر بغداد - کربلا موردهایی از نقض امنیت وجود داشته است. اما مسیر پیاده روی نجف تا کربلا جزء امن ترین مسیرهای منتهی به کربلاست و تقریباً می توان گفت از امنیت شهر نجف و همچنین مسیر آن تا کربلا و شهر کربلا مخصوصاً منطقه ای که اطراف حرمین است خیالتان - راحت باشد

- چه کفشی باید بپوشیم؟

حتماً سعی کنید از کفش راحت استفاده کنید اگر کفش تان ذره ای پای شما را اذیت می کند این اذیت در آن حجم پیاده روی خیلی نمود خواهد داشت و مطمئناً در روز آخر که معمولاً پای انسان در اثر یک عکس العمل طبیعی تاول های کوچکی خواهد زد بیشتر اذیت خواهید شد. ذکر دو نکته اینجا ممکن است مفید باشد: عرب ها از دمپایی برای پیاده روی استفاده می کنند. احتمالاً حرکت با دمپایی به مراتب راحت تر از کفش نامناسب خواهد بود. همچنین معمولاً چند ساعت آخر پیاده روی که نزدیک شهر کربلا خواهید شد به خاطر فشاری که کفش به پا خواهد آورد اکثر مردم پا برهنه راه خواهند رفت زیرا پا برهنه راه رفتن راحت تر از حرکت با کفش نامناسب است.

- ساک هایمان را چه کنیم؟

سعی کنید از کوله پشتی استفاده کنید. راحت ترین نوع بار جهت حمل در این مسافت کوله هایی است که کامل روی دوش قرار می گیرد. در غیر این صورت از ساک های چرخدار که تحمل این مسافت را داشته باشند استفاده کنید زیرا اگر چرخ این ساک ها روی آسفالت مسیر حرکت دچار مشکل شود مطمئناً مجبور به حمل این ساک ها به روش های دیگر خواهید بود که کار را برای پیاده روی دشوار می کند. ممکن است با هماهنگی با دوستانتان کسی راضی شود که ساک ها را با ماشین های عبوری به کربلا برده و آنجا منتظر شما باشد! اما سعی کنید تجربه ی پیاده روی را ولو با حمل ساک دستی از دست ندهید. برخی از اعراب از جعبه های میوه استفاده می کنند و یک سر طنابی را در آن حلقه کرده و سر دیگر در دست می گیرند. با کشیدن این جعبه از نجف تا کربلا هم بار خود را در آن قرار می دهند و در بعضی موارد بدجه های خردسال را به وسیله این جعبه های میوه می کشند. البته در کاروان ما بناست کلیه ساک ها از نجف بوسیله ماشین به محل اسکان در کربلا منتقل شود.

- آیا نیاز به حمل مواد خوراکی داریم؟

خیر! تقریباً می توان گفت همه نوع خوراکی در طول مسیر به صورت رایگان در اختیار است! در خیلی از موارد صاحبان موبک ها (هیئت هایی که بین راه چادر زده اند) به اصرار شما را مجبور می کنند از خوراکی های آنها بردارید.

- در طول مسیر چه نوع لباسی مناسب است؟ آیا گرمای هوا زیاده است؟

با توجه به اینکه هم اکنون اربعین در زمستان قرار دارد گرمای هوا به هیچ وجه اذیت کننده نیست و علاوه بر آن در ساعات شب و همچنین صبح هوا خیلی سرد هم خواهد شد. و بهتر آن است که لباس گرم به اندازه کافی بردارید.

- آیا برای پیاده روی پول همراهان باشد؟

معمولاً به خاطر رایگان بودن خدمات در طول این سه روز هزینه ای نخواهید داشت اما مقدار کمی پول هم ضرر نخواهد داشت بهتر است از پول ملی خود عراق استفاده کنید (دینار عراق)

- محل خواب چگونه است؟ و چه نکاتی را باید برای محل خواب در نظر گرفت؟

برای محل خواب طول روز با توجه به وجود خورشید و گرمای نسبی هوا خیلی نکته ی خاصی وجود ندارد. اما برای خواب پیشنهاد می شود که اولاً قبل از ساعت ۸ محلی را برای خواب از بین موکب های طول مسیر انتخاب کنید ثانیاً با توجه به سرمای شب سعی کنید به جای چادر در موکب هایی که ساختمان دارند و گرم تر هستند اتراق کنید. احتمال اینکه بعد از ساعت ۱۱ شب جای گرم و مناسب گیر بیاورید کمی سخت خواهد شد. ذکر چند نکته در اینجا اهمیت دارد اولاً جای خواب مناسب برای خواهران و برادران در طول مسیر وجود دارد ثانیاً کسی بدون جای خواب نخواهد ماند! چون جا و ملزومات خواب مثل پتو و بالش به اندازه کافی هست فقط باید بتوانید موکبی که هنوز کامل پر نشده را پیدا کنید اگر از خود اهالی بخواهید برایتان معرفی می کنند که کجا هنوز برای خواب جادارد.

- در طول شب شرایط پیاده روی چگونه است؟

معمولاً بعد از ساعت ۹ شب مسیر پیاده روی خلوت تر می شود و اکثر موکب داران تا اذان صبح استراحت می کنند اما در این میان کم نیستند موکب دارانی که شب را هم متناسب با سرمای شب خدماتی ارائه می کنند که زائرین شب رو را کمک کند. به عنوان مثال چایی و شیر داغ و حتی هدیند! برای جلوگیری از سرمای شب در طول شب توزیع می شود و عده ای هستند که ترجیح می دهند تا اذان صبح پیاده روی کرده و بعد از طلوع آفتاب بخوابند.

- چه کنیم بیشتر بهر ببریم؟

همانطور که عراقی ها خود را برای پذیرایی از شما از مدت ها قبل آماده می کنند شما هم برای تاثیر گذاری بیشتر روی آنها و بالا بردن سطح علاقه و همچنین فکر آنها کار کنید. به عنوان مثال تجربه ی مادر سنوات گذشته نشان داد بچه هایی که در طول مسیر ایستاده اند و به زائرین نگاه می کنند و گاهی حتی با اصرار به شما خوراکی تعارف می کنند با یک اسباب بازی کوچک یا حتی یک بسته پاستیل چقدر به سر شوق آمده و مطمئناً دراز مدت تاثیر این حرکت در ذهنشان و تصورشان راجع به شیعیان و حتی ایرانیان چقدر مثبت خواهد بود. حتی آماده کردن بسته های فرهنگی به زبان های عربی یا انگلیسی و توزیع آن بین مردمی که پیاده می روند تاثیر گذار است. گاهی یک پوستر یا یک عکس کوچک مذهبی با یک جمله ی عمیق تاثیر شگرفی بر ذهن مخاطب خواهد گذاشت. روی تاثیر گذاری متقابل چه برای موکب داران چه برای سایر زائران از سراسر جهان برنامه ریزی کنید. زیارت امام حسین با خستگی پیاده روی گویی مزه های دوچندان دارد و اینجاست که پا و دل با هم ارتباط پیدا می کنند! در طول مسیر هنگامی که پاهایمان خسته یا حتی در مواردی جراحی کوچک پیدا می کند کافی است برای آماده شدن دل. کمی اگر مرغ دل را پرواز دهی به وضوح کاروانی را خواهی دید که از کربلا به سوی شام به اسپری می روند و وقتی نگاهت را به طرفین بر میگردانی و میبینی اینچنین با عزت در حال راه رفتنی و اینچنین از تو پذیرایی می شود مطمئناً با خود می گویی این کجا و آن کجا؟ اینجاست که آدمی می گوید: لایوم کیومک یا ابا عبدالله...

پایه پای حماسه می آیم...



❖ زان پیش تر که عالم فانی شود خراب ...

چرا پیاده؟ بهتر نیست ماشین بگیریم و مثل هر زیارت دیگر با اتوبوس برویم. اصلاً چرا دولت عراق به فکر نیست منوریل راه بیندازد در مسیر کربلا و نجف؟ امنیتش هم بیشتر است. مگر این زیارت اربعین بناست چه ویژگی‌های داشته باشد؟ چه امتیازهایی که زیارت‌های دیگر ندارد؟

خدمت غریب

وجه اشتراک همه موب‌های بین راه یک چیز است: خدمت به زائر امام حسین. این همه آدم از جای جای عراق و حتی کشورهای دیگر می‌آیند که به زائر امام خدمت کنند. برای ما که در هیأت‌های بزرگ شده‌ایم، این کار غریب نیست. غریب جنس این خدمت هاست و از آن غریب تر نوع تعاملی که این خلق خدا با زائر دارند. می‌شود این جنس خدمت را تجربه کرد؟ چند ساعت ایستاد در یک موب و دستی رساند؟

آشنایی زدایی

از من بپرسید می‌گویم خوب است همه برویم کربلا؛ اما چه خوب است که در این پیاده‌روی همه همدیگر را گم کنیم. اصلاً قرار بر این باشد هر کس رفیقش را دید نشانسد. این آشنایی زدایی برای این سفر لازم است. بگذارید این پوسته‌ای که دور خودمان داریم: من، ما، مسجد ما، هیأت ما، مجموعه ما، کانون ما، شهر ما - اگر بگویم کشور ما ناراحت نمی‌شوید؟ - چند روزی نباشد. شاید اتفاقات خوبی افتاد. شاید حس این جبهه که سال هاست از شدم می‌زنیم راحت تر پیدا شد:

عاقبت این نردبان افتادنی است

نردبان این جهان ما و منی است

استخوانش سخت تر خواهد شکست

لاجرم هر کس که بالاتر نشست

فصل آشنایی

حالا که آشنایی‌های قبلی رفت، می‌شود رفت دنبال یک آشنایی جدید. اصلاً این آدم‌های رنگ‌رنگ، علی‌رغم این که هر کدام زبانی دارند و فرهنگی؛ یک زبان مشترک هم دارند که برای همه اربعینی‌ها قابل درک است، جدای از زبان مشترک، چه قدر همه آشنایند. این پیر مردان و پیر زنان عرب چه قدر شبیه همین هم‌محله‌های ما هستند!

تا دیر نشده...

شاید سزاوارتکه این تجمع چهل روز بعد عاشورا انجام می‌شود این است که جنس عزاداری عاشورا با جنس اربعین فرق می‌کند. حرارت زیارت روز عاشورا با حرارت زیارت اربعین فرق می‌کند. من می‌ترسم باز دیر بشود. دیر بشود یعنی اینکه کاری نکنند/بکنیم که رنگ اربعین هم عوض بشود. از همان جنس خرابکاری‌هایی که کرده‌اند و کرده‌ایم. برای همین فکر می‌کنم باید اتفاقی بیفتد. یک کسی باید یا علی بگوید و همه را یک بار اربعین ببرد پیاده روی کربلا. همه اهل فرهنگ و کار فرهنگی. اهل سیاست و کار سیاسی. انجام ممکن است اتفاقات خوبی بیفتد. امتحانش گران نیست.

❖ فصل کربلا

کربلا را تو می‌پندار که شهری است در میان شهرها و
نامی است در میان نامها؛ نه؛ کربلا حرم حق است
و هیچ کس را جز یاران امام حسین علیه السلام راهی
به سوی حقیقت نیست، کربلا، آغوشش را بگشاه
حزب الله به سوی تو می‌آید....



حرف دل

چقدر فکر مشغول می شود وقتی می بینم: اعراب بادیه گاهی پانزده روز را پیاده آمده اند و از خاک صحرا خورده اند و خون دل می بینی می آیند با کاغذی در دست که زیارت معروف اربعین **ابا عبدالله الحسین (ع)** را در آن با هزار غلط املایی و نگارشی نوشته اند، شروع می کنند با صدای بلند و انگار اعتراض و البته عجز و شوق و مهر و دل؛ شروع می کنند تند و تند خواندن و تمام که می شود می روند با موج همیشه جاری تاضیح، به ضریح که می رسند می بوسند و نمی مانند و می آیند و می روند بین الحرمین و از دور سلامی به **عباس (ع)** و فامی کنند و بعد وارد می شوند و زیارتی مختصر و راهی می شوند به دیارشان!

همه چیز در ساعتی - کم تر - رخ می دهد و راهی می شوند! پانزده روز خاک صحرا و خون دل، ساعتی عرض ارادت و شوق و نیاز و دوباره پانزده روز خاک صحرا و خون دل

و نیروی به قدرت یک سال و آتشی که هرگز خاموش نمی شود.

و تو که عادت داری به بغل گرفتن ضریح امام رضایت و در دودل کردن از کوچک و بزرگ زندگی ات با او ساعت ها، حیران می مانی! آخرین چه آتشی ست که لپه شب دامن این امت را گرفته است. چه دردی ست که در مان ندارد. چه سودایی ست که پایان ندارد.

این حسین کیست که عالم همه دیوانه ی اوست

می مانی از این نمایش عظیم بشری! می مانی از این بزرگ ترین اجتماع انسانی روی کره ی زمین! می مانی از آتشی که بعد از هزار و چهار صد سال هر روز گداخته تر است! می مانی از آن چه دارد در عالم رخ می دهد!

شرمنده می شوی از تجربیات اندک ت! شرمنده می شوی از دنیای کوچک ت! شرمنده می شوی از نداریت! که دارایی ش پنداشته ای! شرمنده می شوی از این که هستی! هنوز هستی....

به نام نامی سر

به نام نامی سر، بسمه تعالی سر
بلندمرتبه پیکر، بلندبالا سر
فقط به تربت اعلا، سجده خواهم کرد
که بنده‌ی تو نخواهد گذاشت، هر جاسر
قسم به معنی لایمکن الفرار از عشق
که پر شده است جهان، از حسین سرتاسر
نگاه کن به زمین! ما را آیت‌الان
به آسمان بنگر! ما را آیت‌الاسر
زهر گفت: حسینا! پخواه از ما جان
حبیب گفت: حبیب! بگیر از ما سر
خوشا به حال غلامش، به آرزوش رسید
گذاشت آخر سر، روی پای مولاسر
چنان که یک تن دیگر به آرزوش رسید
به روی چادر زهر گذاشت سقاسر
تنش به معر که سر گرم فضل و بخشش بود
به هر که هر چه دلش خواست داد، حتی سر
بسوزد آن همه مسجد، بمیرد آن اسلام
که آفتاب در آورد از کلیساسر
عقیله، غصه و درد و گلایه را به که گفت؟
به چوب، چوبه محمل، نه با زبان، با سر
دلم هوای حرم کرده است می دانی
دلم هوای دو رکعت نماز بالا سر

سید حمید رضا برقی

اربعین؛ امتداد حرکت عاشورا

«فقط یک جمله در باب اربعین عرض کنیم؛ آمدن اهل بیت حسین بن علی (ع) به سرزمین کربلا، که اصل این آمدن مورد قبول هست، اما سال اول یا دوم بودن آن معلوم نیست، فقط برای این نبود که دلی خالی کنند یا تجدید عهدی بکنند؛ آنچنان که گاهی بر زبان ها جاری می شود. مسأله از این بسیار بالاتر بود. نمی شود کارهای شخصیتی مثل امام سجاد (ع) یا مثل زینب کبری (س) را بر همین مسائل عادی رایج ظاهری حمل کرد، باید در کارها و تصمیمات شخصیت‌هایی به این عظمت در جست و جوی رازهای بزرگ‌تر بود. مسأله آمدن بر سر مزار سیدالشهدا (ع)، در حقیقت امتداد حرکت عاشورا بود. با این کار خواستند به پیروان حسین بن علی (ع) و دوستان خاندان پیغمبر و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند تفهیم کنند این حادثه تمام نشد؛ مسأله با کشته شدن، دفن کردن و اسارت گرفتن و بعد رها کردن اسیران خاتمه پیدا نکرد؛ مسأله ادامه دارد. به شیعیان یاد دادند اینجا محل اجتماع شماسه؛ اینجا میعاد بزرگی است که با جمع شدن در این میعاد، هدف جامعه شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه مسلمان را باید به یاد هم بیاورید. تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه آن حتی در حد شهادت، آن هم با آن وضع! این چیزی است که باید از یاد مسلمانان نمی رفت و خاطره آن برای همیشه زنده می ماند. آمدن خاندان پیغمبر، امام سجاد (ع) و زینب کبری (س) به کربلا در اربعین به این مقصود بود.»

(خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۷/۲۴، به نقل از کتاب «آفتاب در مصاف»، انتشارات مؤسسه انقلاب اسلامی- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، ص ۲۳۶)



فضیلت زیارت امام حسین (ع)

بدانکه فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام از حیطة بیان بیرون است و در اخبار بسیار وارد شده که معادل حج و عمره و جهاد بلکه بالاتر و افضل است بدرجات و باعث مغفرت و خفت حساب و رفع درجات و اجابت دعوات و موجب طول عمر و حفظ بدن و مال و زیادتى روزى و برآمدن حاجات و رفع هموم و کربات است و ترک آن سبب نقصان دین و ایمان و ترک حق بزرگى از حقوق پیغمبر صلی الله علیه و آله است و کمتر ثوابى که به زائر آن قبر شریف رسد آن است که گناهانش آمرزیده شود و آنکه حق تعالی جان و مالش را حفظ کند تا او را به اهل خود برگرداند و چون روز قیامت شود حق تعالی او را حافظتر خواهد بود از دنیا.

و در روایات بسیار است که زیارت آن حضرت غم را زایل می کند و شدت جان کندن و هول قبر را برطرف می کند و آنکه هر مالی که در راه زیارت آن حضرت خرج شود حساب می شود برای او هر درهمی به هزار درهم بلکه به ده هزار درهم و چون رو به قبر آن حضرت برود چهار هزار ملک استقبال او می کنند و چون برمی گردد مشایعت او می نمایند و آنکه پیغمبران و اوصیاء ایشان و ائمه معصومین و ملائکه سلام الله علیهم اجمعین به زیارت آن حضرت می آیند و دعا برای زوار آن حضرت می کنند و ایشان را بشارت های می دهند و حق تعالی نظر رحمت می فرماید بسوی زائرین امام حسین علیه السلام بیش از اهل عرفات و آنکه هر کسی در روز قیامت آرزو می کند که کاش زوار آن حضرت بود از پس که مشاهده می کند از کرامت و بزرگواری ایشان در آن روز و روایات در این باب بی حد است.

هر که دارد هوس کرب و بلا بسم الله...

حرم امام حسین (علیه السلام):

حرم امام حسین (علیه السلام)، که به همراه حرم ابوالفضل العباس (علیه السلام) و فضاهای پیرامون این دو جایگاه، هسته مرکزی شهر را تشکیل می دهند. حرم مطهر بیش از دو متر از سطح شهر پایین تر است؛ از این رو تعداد زیادی پله زائران را از دروازه های درون صحن هدایت می کند. ساختمان کنونی حرم از ساخته های دوره صفوی و عثمانی و قاجار است. حرم مطهر از گنبدی بزرگ و مطلقاً تشکیلی شده که بر روی گنبد خانه ای وسیع و چندین رواق و یک مسجد بزرگ و صحنی فراخ است که تمامی این مجموعه را در بر می گیرد. گنبد طلاز ساخته های دوران صفویه است و طلاکاری آن به دستور آغامحمدخان قاجار انجام گرفته است. در زیر گنبد، ضریح نقره ای و بزرگ و چند ضلعی قرار دارد که قسمت عمده فضای گنبدخانه را اشغال کرده و درون آن قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) و دو فرزندش علی اصغر و علی اکبر جای دارد. در سمت شرق ضریح مطهر حضرت، فضایی است که در جنوب آن پنجره ای نقره ای قرار دارد. اینجا آرامگاه قسمت اعظم شهیدان واقعه کربلاست که همگی آنان پیرامون آن پنجره و فضاهای اطراف پراکنده و مدفون هستند.

قتلگاه:

جایگاهی است در نزدیکی آرامگاه حبیب بن مظاهر اسدی که بنابر گفته روایات، امام حسین (علیه السلام) در آنجا به شهادت رسید و بعدها به جایگاه کنونی منتقل شد و دفن گردیده اند.

تلّ زبینه:

در فاصله ۲۰ متری از سمت غرب صحن مطهر، تپه ای به ارتفاع ۵ متر وجود دارد که امروزه بر روی آن اتاقی ساخته شده است، این تپه به نام «تلّ زبینه» یا تپه حضرت زینب (علیها السلام) مشهور است و بنا به نقل مورّخان، تپه ای بوده است که در روز عاشورا حضرت زینب بر روی آن می رفته و از سیر وقایع جنگ آگاهی می یافته اند.

حرم ابوالفضل العباس (علیه السلام):

این حرم در فاصله ۳۵۰ متری شمال شرقی حرم امام حسین (علیه السلام) قرار گرفته و دارای قبه و بارگاه شکوهمندی است که جسد پاک این سردار رشید و بار و بار امام حسین (علیه السلام) را در بر گرفته است. ساختمان دارای گنبدی طلایی است که بر روی گنبد خانه ای کوچکتر از حرم امام حسین (علیه السلام) قرار دارد. گرداگر قبر مطهر را چهار رواق و صحن فراخ و وسیعی به همراه ایوان زیبادر بر گرفته است. ضریح زیبای آن حضرت به دستور مرحوم آیه الله العظمی حکیم در سال ۱۹۶۵ میلادی در اصفهان ساخته شد.

خیمه گاه:

در جنوب صحن مطهر امام حسین (علیه السلام) و در فاصله ۲۵۰ متری واقع است. (بنا به نقل مورّخان، محلّ برافراشته شدن خیمه ها و چادرهای سیدالشهدا (علیه السلام) و یاران او بوده است). امروزه جایگاه خیمه ها را با ساختمان سازی به تصویر کشیده اند.

آداب زیارت

برای تشریف به حرم مطهر معصومین (علیهم السلام) و در حال زیارت قبور مطهر آنان، این کارها مستحب است:

۱. غسل زیارت، که به همین نیت انجام شود و کیفیت آن با سایر غسل هافرقی ندارد.

۲. با طهارت و وضو بودن.

۳. پوشیدن لباس های پاک و تمیز و بهتر است سفید باشد.

۴. عطر زدن و خوشبو کردن خود. بجز برای زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) که این عمل مستحب نیست.

۵. با آرامش و وقار حرکت کردن و گام هارا کوتاه برداشتن.

۶. مشغول بودن به ذکر، به خصوص ذکر «الله اکبر» و «الحمد لله» در حال رفتن به زیارت.

۷. خواندن اذن دخول و اجازه گرفتن برای ورود به حرم.

۸. بوسیدن آستانه و درگاه حرم، ولی سجده کردن جایز نیست مگر آنکه سجده شکر به جهت توفیق این زیارت باشد. از آنجا که امروزه برخی از دشمنان مکتب اهل بیت از این مسأله سوء استفاده کرده و علیه شیعیان تبلیغ می کنند، بهتر است زائران گرامی سجده شکر را نیز روبروی قبر و ضریح انجام ندهند.

۹. وارد شدن به حرم با پای راست.

۱۰. نزدیک قبر رفتن، به طوری که بتواند در کنار ضریح قرار گیرد و خود را به آن بچسباند، در صورتی که مزاحمتی برای زائران نداشته باشد و سبب اختلاط یا نامحرم نباشد. یادآوری می شود، هر چند نزدیک ضریح رفتن اگر مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد مطلوب است ولی زیارت حضرت صرافا به دست مالیدن و بوسیدن ضریح نیست. بلکه اگر در حرم در گوشه خلوتی نیز زیارت نامه بخوانند به حضرت سلام بدهند از ثواب زیارت بهره مند خواهند بود و این فکر که اگر دست به ضریح نرسانند یا نبوسیدند زیارتشان کامل نیست تصوری بی جایی است.

۱۱. ایستادن در حال زیارت، اگر عذری ندارد و بتواند بایستد.

۱۲. تکبیر گفتن پیش از زیارت، وقتی قبر مطهر را می بیند.

۱۳. خواندن زیارت هایی که از معصومین (علیهم السلام) رسیده است مانند زیارت جامعه و امین الله.

۱۴. آهسته زیارت خواندن و پرهیز از صدای بلند.

۱۵. خواندن دو رکعت نماز زیارت، پس از زیارت و هدیه آن به صاحب مزار.

۱۶. در زیارت معصومین (علیهم السلام) مستحب است پشت به قبله و رو به قبر زیارت بخواند.



۱۷. خواندن دعا و قرآن و هدیه ثواب آن به صاحب مزار.

۱۸. توبه از گناهان؛ زیرا آن اماکن مقدس محل پذیرش توبه است.

۱۹. پرهیز از سخنان ناشایست و لغو و بیهوده و امور دنیایی در آن اماکن مقدس.

۲۰. بیرون رفتن از حرم (به ویژه اطراف ضریح) پس از زیارت تاجا برای دیگران باشد و از زیارت ملول نشود و شوق زیارت همچنان در دلش زنده بماند.

آداب خاص در زیارت امام حسین (ع)

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام آداب خاصی دارد؛ از جمله:

۱- روزه گرفتن در سه روز قبل از سفر

۲- اجتناب از خوردن غذاهای لذیذ و رنگارنگ و اکتفا به طعام ساده

۳- زیارت با حالت حزن و اندوه و غصه

۴- پرهیز از استعمال عطر و گلاب

۵- زیارت با سر و صورت و لباس آشفته مانند افراد ماتم زده و مصیبت زده.

۶- غسل قبل از زیارت با آب فرات

۷- رفتن به زیارت با پای پیاده.

امام صادق علیه السلام فرمود: «برای هر قدم زائر، هزار حسنه و محو هزار گناه و هزار درجه تعالی است.» و فرمود: «با حال ذلت مانند بردگان به زیارت امام حسین بروید.»

لازم به توضیح است که جمع بین اخبار غسل از آب فرات و اخبار زیارت به حالت ژولیدگی به این است که وقتی کسی به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می رود بهتر است برای بار اول با همان گرد راه و ژولیدگی و غمزدگی وارد حرم مطهر شود و امام را زیارت کند؛ و سپس برای دفعات بعدی از آب فرات غسل نماید و عطر بزند و لباس پاکیزه بپوشد و به زیارت رود.

جامانندگان

خیلی ساده به نظر می‌رسد اینکه روزی امام (ع) از آدم کمک بخواهد، شخصاً، نامه بفرستد، واسطه بفرستد یا اصلاً خودش بیاید در خانه آدم. همه ما آرزو می‌کنیم آنجا بودیم. احیاناً دو سه تا نفرین هم نثار کسانی می‌کنیم که امام (ع) را تنها گذاشتند. می‌پرسیم چطور توانستند؟! عجب آدم‌های پلید، خیانتکار و بی‌دین و ایمانی بوده‌اند. اما وقتی داس‌تان چندتا از همین از خدا بی‌خبرها را می‌خوانی، می‌بینی انکار که بعضی حرف‌ها آشناست. انکار که خودمان هم

– معذوریت شرعی

در منزل(قصر بن مقاتل) امام (ع) به عمروبن قیس و پسرعمویش رسیدند. پرسیدند: آیا برای یاری ما آماده‌اید؟ عمروبن قیس گفت: ما پیرمرد و عیالواریم. اموال مردم دست ماست، باید آنها را برسانم به صاحبانش. اگر با شما پیام مال مردم از بین می‌رود.

– چرا خشونت

در یکی از منزلگاه‌ها عبدالله بن مطیع عدوی پیش امام (ع) آمد. گفت: با این حرکت تو حرمت اسلام از بین می‌رود. حرمت قریش و حرمت عرب از بین می‌رود. خشونت راه می‌افتد. نرو!

– عهد و عیال دارم

مالک ابن ارجی روز نهم همراه کاروانی از نزدیک کربلا می‌گذشت. رفت پیش امام (ع) تا خبر دهد، اکثریت مردم کوفه علیه اویند. حسین (ع) گفت: چرا مرا یاری نمی‌کنید؟ مالک بن نصر گفت: من مقروض و عیالمندم. و خداحافظی کرد.



– شر مرسان

یزید بن مسعود نهشلی از بزرگان بصره بود که امام (ع) برایش نامه نوشتند. آن قدر از عیب‌الله می‌ترسید که وقتی فرستاده امام (ع) نامه را برای او آورد، فکر کرد، شاید این حيله عیب‌الله است تا طرفداران امام (ع) را شناسایی کند. از ترس نامه را نگرفت. نامه رسان را هم با نامه فرستاد پیش عیب‌الله. عیب‌الله هم نامه رسان را به دار آویخت.

– پولش را می‌دهم

امام (ع) خودش آن رفتند سراغ عیب‌الله بن حر جعفی. پرسیدند: همراه ما می‌آیی؟ عیب‌الله گفت: من آماده مرگ نیستم. ولی اسبم را تقدیم می‌کنم. چنان اسبی است که اگر سوارش شوید به خواسته‌تان می‌رسید. امام (ع) فرمود: ما برای اسب و شمشیر تو نیامده بودیم. فقط از اینجا دور شو که فریاد غربت ما را نشنوی.

– پناهت می‌دهم، تفرقه نینداز

فرماندار مکه، عمرو بن سعید اشلق، برای امام (ع) نامه نوشت که من به تو پناه می‌دهم، حرکت نکن. همین جا بمان. موجب تفرقه می‌شوی.

– این کارها دنیویست، من به فکر آخرتم

عیب‌الله بن عمر وقتی از حرکت امام (ع) باخبر شد، خود را به امام (ع) رساند و گفت: این دولت و حکومت مال اینهاست. خدا به پیامبر (ع) اختیار داد تا بین دنیا و آخرت یکی را انتخاب کند و او آخرت را انتخاب کرد. شما هم پاره‌ی تن لویید. به همین خاطر، دنیا به احدی از شما بر نمی‌گردد.

– فایده‌ای ندارد اسبم را برمی‌دارم و می‌روم

«هنگامی که دیدم یاران حسین (ع) کشته شدند و نوبت او و خاندانش رسیده و غیر از سویرین عمرو و بشیرین عمرو کسی باقی نمانده گفتم: ای پسر رسول خدا (ع) من گفته بودم که تا وقتی جنگجویی داشته باشی، همراه تو می‌جنگم. حسین (ع) گفت: راست گفتم ولی چگونه خود را نجات خواهی داد؟ قبلاً وقتی دیده بودم، دشمن اسب‌ها را می‌کشد، اسب خود را در یکی از چادرها پنهان کرده بودم. اسب را بیرون آورده و سوار شدم و از میان دشمن دور شدم.»

ضحاک مشرقی، روز نهم به امام (ع) پیوست، ولی با امام (ع) شرط کرد: فقط تا وقتی می‌مانم که مفید باشم، اگر تنها شدم می‌روم چون فایده‌ای ندارد.

– رفتم ز پا خاری کشم

طرمج، یکی از کسانی که بین راه به امام (ع) برخورد و چون به راه آشنا بود، جلوی کاروان به سمت کربلا به راه افتاد. در نیمه‌ی راه به امام (ع) گفت: من باید به خانواده و قبیله‌ام سر بزنم. رفت و بعد از چند روز برگشت. اما خبر کشته شدن امام (ع) و همه‌ی یارانش را به او دادند. آدم یاد این دو بیت می‌افتد:

رفتم ز پا خاری کشم

محمل ز چشمم شد پنهان

یک لحظه من غافل شدم

صد ساله راهم دور شد

بدعت‌های عجیب و غریبی که وهن تشیع‌اند...

سال گذشته تصویری از مراسم میلیونی اربعین حسینی در کربلا معلی منتشر گردید که نشانگر گسترش یافتن بدعت سینه خیز رفتن تا مرقد مطهر امام حسین (ع) بود. از همین رو به بازخوانی نظر مقام معظم رهبری که در سال ۷۳ و در دیدار جمعی از روحانیون کهگیلویه و بویراحمد مطرح شد می‌پردازیم. ایشان در این سخنرانی که بر روی قیام حضرت سیدالشهدا (ع) و آثار آن برای امروز است بر عزاداری سنتی تاکید کرده و می‌فرمایند:

من واقعا می‌ترسم از این که خدای ناکرده، در این دوران که دوران ظهور اسلام، بروز اسلام، تجلی اسلام و تجلی فکر اهل بیت علیهم‌السلام و السلام است، نتوانیم وظیفه‌مان را انجام دهیم. برخی کارهاست که پرداختن به آنها، مردم را به خدا و دین نزدیک می‌کند. یکی از آن کارها، همین عزاداری‌های سنتی است که باعث تقرب بیشتر مردم به دین می‌شود این که امام فرمودند «عزاداری سنتی بکنید» به خاطر همین تقریب است. در مجالس عزاداری نشستن، روضه خواندن، گریه کردن، به سر و سینه زدن و مواکب عزاداری و دسته‌های عزاداری به راه انداختن، از امور است که عواطف عمومی را نسبت به خاندان پیغمبر، پر جوش می‌کند و بسیار خوب است. در مقابل، برخی کارها هم هست که پرداختن به آنها، کسانی را از دین برمی‌گرداند.

معظم له در ادامه سخنان خود به آسیب‌شناسی عزاداری‌ها پرداخته و روحانیون را برای مبارزه با برخی بدعت‌ها که در مراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) ایجاد شده و موجب وهن تشیع گردیده نظیر بدعت «قمه‌زنی» و «سینه خیز رفتن به سمت مرقد ائمه» فرا می‌خوانند و در ادامه می‌گویند:

«اخیراً یک بدعت عجیب و غریب و نامأنوس دیگر هم در باب زیارت در سست گردانده‌اند! بدین ترتیب که وقتی می‌خواهند قبور مطهر ائمه (ع) را زیارت کنند، از در صحن که وارد می‌شوند، روی زمین می‌خوابند و سینه خیز خود را به حرم می‌رسانند! شما می‌دانید که قبر مطهر پیغمبر (ص) و قبور مطهر امام حسین، امام صادق، موسی بن جعفر، امام رضا و بقیه ائمه علیهم‌السلام را همه مردم، ایضا علما و فقهای بزرگ، در مدینه و عراق و ایران، زیارت می‌کردند. آیا هرگز شنیده‌اید که یک نفر از ائمه علیهم‌السلام و یا علما، وقتی می‌خواستند زیارت کنند، خود را از در صحن، به‌طور سینه خیز به حرم برسانند؟!»



اگر این کار، مستحسن و مستحب بود و مقبول و خوب می نمود، بزرگان ما به انجامش مبادرت می کردند، اما نکردند. حتی نقل شد که مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی رضوان الله تعالی علیه، آن عالم بزرگ و مجتهد قوی و عمیق و روشنفکر، عتبه بوسی را با این که شاید مستحب باشد، منع می کرد. احتمالا استحباب بوسیدن عتبه، در روایت وارد شده است. در کتب دعا که هست، به ذهنم این است که برای عتبه بوسی، روایت هم وجود دارد. باین که این کار مستحب است، ایشان می گفتند «انجامش ندهید، تا مبادا دشمنان خیال کنند سجده می کنیم؛ و علیه شیعه، تشنیهی درست نکنند»

اما امروز، وقتی عده ای وارد صحن مطهر علی بن موسی الرضا علیه الصلوة والسلام می شوند، خود را به زمین می اندازند و دو دست متر راه را به طور سینه خیز می پیچانند تا خود را به حرم برسانند! آیا این کار درستی است؟ نه؛ این کار، غلط است. اصلا اهانت به دین و زیارت است. چه کسی چنین بدعت هایی را بین مردم رواج می دهد؟ نکنند این هم کار دشمن باشد؟! اینها را به مردم بگویند و ذهنها را روشن کنید.

دین، منطقی است. اسلام، منطقی است و منطقی ترین بخش اسلام، تفسیری است که شیعه از اسلام دارد؛ تفسیری قوی متکلمین شیعه، هر یک در زمان خود، مثل خورشید تابانکی می درخشیدند و کسی نمی توانست به آنها بگوید «شما منطقتان ضعیف است.» این متکلمین، چه از زمان ائمه علیهم السلام - مثل «مؤمن طاق» و «هشام بن حکم» - چه بعد از ائمه، - مثل «بنی نوبخت» و «شیخ مفید» - چه در زمانهای بعد - مثل مرحوم «علامه حلی» - فراوان بوده اند. ما هل منطلق و استدلالیم، شما ببینید در باره مباحث مربوط به شیعه، چه کتب استدلالی قوی ای نوشته شده است! کتاب های مرحوم «شرف الدین» و نیز «الغدير» مرحوم «علامه امینی» در زمان ما، سر تا پا استدلال، بتون آرمه و مستحکم است. تشیع این است یا مطالب و موضوعاتی که نه فقط استدلال ندارد، بلکه «اشبه الشی بالخرافه» است؟! چرا اینها را وارد می کنند؟! این خطر بزرگی است که در عالم دین و معارف دینی، مرزداران عقیده باید متوجهش باشند.»

عزاداری برای امام حسین (ع)

تا چه اندازه مجاز است؟؟؟



باتوجه به حکمت عزاداری برای اهل بیت - به خصوص امام حسین (ع) حد عزاداری را شرع و عقلا تعیین می کنند. اگر عزاداری در شیوه هایی اجرا شود که شور را بر شعور غالب سازد و به نوعی موجب انحراف از فلسفه عزاداری گردد؛ خارج از حدود عزاداری مشروع، معقول، موچه و مقبول است. اگر قالب های عزاداری به گونه ای باشد که عقلائی جامعه، آن را تقبیح کرده، آن را موجب وهن مذهب و آموزه های عاشورا می دانند، قطعاً حد غیر مجاز عزاداری خواهد بود. شکل و صورت عزاداری باید به گونه ای باشد که بتواند هسته و محتوای اصلی پیام عاشورا را به مردم ابلاغ کند و باور انسان ها را نسبت به آن ها تقویت نماید، ولی اگر این ظاهر به صورتی درآید که نه تنها باطن و مغز را نشان ندهد، بلکه باعث گردد اصل مساله و موضوع خدشه دار شود، شکل و صورت مناسبی نخواهد بود و این لباس بر قامت این تن رعنا، راست نخواهد آمد.

به عنوان مثال قمه زنی - که یک گونه خاص عزاداری است نه تنها شعارها و گفتارهای اصلی عاشورا را به درستی ابلاغ نمی کند؛ بلکه چنانچه مقام معظم رهبری فرمودند، موجب وهن قضیه کربلامی گردد و لذا غیر مجاز است.



پرچمدار بصیرت و ولایت مداری

شناخت روشن و یقینی از دین، تکلیف، پیشوا، حجت خدا، راه، دوست و دشمن، حق و باطل، «بصیرت» نام دارد که از صفات شایسته و ستوده‌ای است که یک مسلمان در زندگی فردی و اجتماعی خود باید از آن برخوردار باشد. در مبارزات و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و موضع‌گیری‌ها، جایگاه بصیرت روشن‌تر می‌شود و بدون آن، حتی مبارزه و جنگ هم کور کورانه و گاهی در مسیر باطل قرار می‌گیرد. انتخاب درست نیز بستگی به بینش صحیح و بصیرت انسان دارد.

قرآن کریم به این موضوع به عنوان ویژگی یک رهبر و داعی به خیر و هدایت اشاره می‌کند، آن‌جا که می‌فرماید: «قل هذه سبيلي ادعوا الي... على بصيرة انا و من اتبعني» (یوسف ۱۰۸) بگو این راه من است، من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.

یکی از شخصیت‌های نورانی جهان بشریت که چنین ویژگی ارزشمندی داشت، حضرت عباس بن علی (ع) بود. زندگانی حضرت ابوالفضل (ع) دایره‌المعارفی است که چگونه زیستن و آگاهانه رفتن را به مامی آموزد و فرصت دستیابی به مقام آدمیت را هموار می‌سازد. امام صادق (ع) درباره ایشان می‌فرماید: «كان عمنا العباس بن علي نافذا البصيرة صلب الايمان جاهد مع ابي عبدا... وابلي بلاء حسنا و...» (اعيان الشيعة، ج ۷، ص ۴۳۰) عموی ما عباس بن علی (ع) دارای بصیرت دینی و استواری در باور بود. در راه خداوند در رکاب ابي عبدا... جهاد کرد و نیکو آزمایش داد و به شهادت رسید. در زیارت مخصوص حضرت عباس (ع) هم به همین نکته اشاره می‌شود که: اشهد انک مضیت علی بصيرة من امرک مقتدیا بالصالحين ومتبعاً للنبیین (مفاتیح الجنان) شهادت می‌دهم عمر با برکت خود را در بصیرت گذراندی، به صالحان اقتدا و از جمیع انبیا پیروی کردی.

نمونه هایی از بصیرت حضرت عباس (ع)

در روزهای کودکی عباس، پدر گران قدرش چون آینه معرفت، ایمان، دانایی و کمال در مقابل او قرار داشت و گفتار الهی و رفتار آسمانی اش بر وی اثر می گذاشت. او از دانش و بینش امام علی (ع) بهره می برد. حضرت درباره تکامل و پویایی فرزندش فرمود: «همانا فرزندم عباس در کودکی علم آموخت و به سان نوزاد کبوتر، که از مادرش آب و غذای می گیرد، از من معارف را فرا گرفت».

نقل شده است در آغازین روزهایی که الفاظ بر زبان وی جاری شد، امام (ع) به فرزندش فرمود: بگو یک. عباس گفت: یک. حضرت ادامه داد: بگو دو. عباس (ع) خودداری کرد و گفت: شرم می کنم باز بانی که خدا را به یگانگی خوانده ام، دو بگویم (مستدرک وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۱۵)

اوج بصیرت ابوالفضل العباس در حماسه عاشورا بود و باید دانست تمامی حماسه آفرینان عاشورا، بی هدف و کور کورانه به کربلا نیامده بودند. آنان اهل بصیرت بودند، هم نسبت به درستی و حقانیت راه و رهبرشان و هم به این که وظیفه شان جهاد و یاری امام بود. این امر در کلام و شعار و رجز امام و یاران شهیدش مشهود است. حتی آگاهی امام حسین (ع) از فرجام شهادت در این سفر و آگاهانیدن یاران و همراهان نسبت به پایان این قیام، نوعی داشتن بصیرت و دادن بصیرت است، تا انتخاب افراد، آگاهانه باشد.

ایشان آن چنان در حضور امام حسین علیه السلام مودب بود که وقتی شمار اسم ایشان را برای گرفتن امان نامه فریاد می زد، به او فرمود: جواش را بیده، هر چند فاسق است! ابوالفضل العباس می آید، می بیند شمر بن ذی الجوشن است، روی یک رابطه خویشاوندی دور که از طرف مادر با عباس دارد و هر دو از یک قبیله اند، خواست به خیال خود، خدمتی کرده باشد؛ تا حرف خودش را گفت، عباس پر خاش مردانه ای به او کرد و فرمود: «خدا تو را و آن کسی که این نامه را به دست تو داده است، لعنت کند. تو مرا چه شناخته ای و درباره من چه فکر کرده ای؟ تو خیال کرده ای من آدمی هستم که برای حفظ جان خودم، امامم، برادرم حسین بن علی علیه السلام را این جا بگذارم و بیایم دنبال تو؟ آن دامن می که ما، در آن تربیت شده ایم و آن سینه ای که از آن شیر خورده ایم، این طور ما را تربیت نکرده است» (موسوعة کلمات الحسین (ع) ص ۲۹۸)

و در روز عاشورا وقتی به سوی دشمن هجوم می برد، رجز می خواند: «من از مرگ، آن هنگام که بانگ برمی آورد بیمی ندارم، تا این که پیکرم در میان دلیر مردان به خاک افتد. جانم فدای جان پاک پیامبر (ص) باد! منم عباس که کارم آب آوری است و از دشمنان در روز رویاری نمی هراسم» (بنایع الموده، ج ۲، ص ۳۴۱)

از آن جایی که حضرت عباس (ع) سمت علم داری لشکر امام حسین (ع) را بر عهده داشت، تا آخرین لحظه در کنار امام (ع) بود و تا آخرین لحظه عمرش با تمام توان از او دفاع کرد. در این باره می نویسند: وقتی علمی را که ابوالفضل (ع) در کربلا در دست داشت، به دربار یزید آوردند، یزید دید آن پرچم جای سالمی ندارد، پرسید: چه کسی آن را حمل می کرده است؟ جواب دادند: عباس فرزند علی (ع). یزید گفت: «هكذا یكون وفاء الاخ لاخیه؛ باید وفای برادر به برادر این گونه باشد» (سوغ نامه آل محمد، ص ۳۰۱)

اما اوج تجلی بصیرت و ایثار و فداکاری او زمانی ظاهر می شود، که آب آوری تشنه، بالب های خشکیده از سه روز بی آبی، در امواج آب قرار گیرد و در نهایت تشنگی، به یاد تشنگی برادر و مولایش، آب نمی آشامد و می گوید: «ای نفس پس از حسین (ع) خوار باشی و پس از او هرگز زنده نمایی! این حسین (ع) است که دل از زندگانی شسته است اما تو آب سرد و گوارا می نوشی؟ به خدا قسم که این شیوه دین من نیست» (بنایع الموده، ج ۲، ص ۳۴۱) و همین بصیرت بود که وی را شیفته خداوند و مطیع ذات حق کرده بود و به همین دلیل یکی از بهترین القابی که امام صادق (ع) به او داد، «عبد صالح» است که هم مقام بندگی و عبودیت را می رساند و هم او را در ردیف صالحان قرار می دهد. او خود را تقدیم کرد و وفاداری اش را در اشعار حماسی و رجز خوانی هایش باز گفت چنان که فرمود:

و ا... آن قطعتمو ایمنی اتی احامی ایدا عن دینی و عن امام...

❖ پس از بازگشت باید چه کار کرد؟

حالا که در پایان این سفر هستی و این سفره یواش یواش دارد جمع می شود، بد نیست کمی بیندیشی که ره آورد این سفر برای خودت چه بوده است؟

یک بار دیگر به گنبد و بارگاه حسین - علیه السلام - نگاه کن. دلت نمی خواهد از او دل بکشی، دل هیچ کس نمی خواهد. اما اگر چشم سرت را ببندی و با چشم دلت بنگری، حسین - علیه السلام - را... نه! مهدی - عجل الله فرجه - را در میانه ی میدان می بینی که ندابه «هل من ناصر...» بلند کرده است.

زائراربعین!

امامت منتظر توست، بیشتر از آنکه تو منتظر او باشی.

حال چه می خواهی بکنی؟

می روی؟... یا مثل حر، چند قدم مانده تاجهنم، توبه می کنی؟

می روی؟... یا مانند زهیر - به زحمت امام - باز می گردی؟

می روی؟... یا مانند حبیب، خودت به دامن امام پناه می آوری؟

تصمیم با خود توست. اما این را بدان که قافله عشق، منتظر یک نفر باقی نمی ماند...

...و این راه همچنان ادامه دارد...

❖ فصل راهیان کربلا

راهیان کربلا را بنگر که چگونه به مقتضای انتظار عمل کرده اند و به جبهه ها شتافته اند. آری، این مقتضای انتظار است. اینان آنچنان مشتاقانه به جبهه ها می پیوندند که تو گویی هنوز کاروان سال ۶۱ هجری قمری به بیابان پردرد و بلای کربلا نرسیده است...



قزوین و صبغه فرهنگی آن:

اگر بنای شهر قزوین را چنانچه برخی مورخان قائلند دو پست، سیصد سال قبل از ظهور اسلام بدانیم، پیشینه فعالیت فرهنگی را حداقل می توانیم از دوره ورود اسلام به این شهر دنبال کنیم. هنگامی که این شهر در ابتدای ظهور اسلام از مرزها و ثغور اسلامی محسوب شده و مورد توجه خلفای مسلمین بوده است. بنای مساجد بزرگ و جامع و برپایی حوزه های علمیه دینی و امامزادگان متعدد - که مورد تعظیم مردم اند - در این شهر، گویای بخشی از این فعالیت هاست. عالمان بزرگ و هنرمندان شهیر در زمینه های مختلف در این شهر سر بر آورده و بزرگانی که تنها نام بردن از آن ها مثنوی هفتاد من کاغذ می شود از محضر این بزرگان استفاده جسته اند.

باروی کار آمدن سلسله صفوی، قزوین برای مدتی پایتخت می شود. از این رو و با عنایت به اهتمام حکومت به توسعه تشیع، این شهر به یکی از پایگاه های اصلی تشیع بدل می شود. مکاتب بزرگ فکری و تعارضات اصولیون و اخباری ها و بعدتر مکتب تفکیک و دیگر مکانی که علمای قزوینی همواره از طلایه داران آن بوده اند، نشان از پویایی فرهنگی این سامان است. در دوره قاجاریه، هنگامی که فرقه های ضالیه بابت و بهائیت ظهور می کنند، این شهر از جمله عرصه های مبارزه با این فرقه های می شود و در همین مبارزات عالم و مرجع بزرگ ملا محمد تقی برغانی هدف ترور بهائی ها قرار می گیرد و با شهادت خود در محراب لقب شهید ثالث می گیرد. در دوره مشروطه نیز باز قزوین صحنه حضور مشروطه خواهان و مشروطه مشروعه خواهان است و از جمله شهرهای مؤثر در پیروزی مشروطه.

با شروع نهضت امام خمینی (ره)، مردم شهر با پشتیبانی علمای بزرگ که خود «هیئت علمیه» تشکیل داده اند وارد گود مبارزه با رژیم شاه می شوند و شهدایی را نیز تقدیم انقلاب می کنند. با پیروزی انقلاب اسلامی در صحنه های مختلف شاهد حضور حماسی مردم در حمایت از انقلاب و نظام اسلامی بوده ایم. شهیدان ترورهای ابتدای انقلاب مانند شهید رجایی و شهید چگینی نماینده پافشاری بزرگان این شهر بر آرمان های انقلاب است. در دفاع مقدس، حجت الاسلام ابوترابی (سیدآزادگان)، شهید بابایی، شهید لشکری، شهید حسن پور و سه هزار شهید این استان برگ دیگری از دفتر افتخارات این شهر را به نام خود ثبت کردند.



اکنون و در صف پیکاری که در عرصه فرهنگ در جریان است، مجموعه‌های زیادی عهده‌دار مبارزه فرهنگی هستند. بخشی از این مجموعه‌ها و ظرفیت‌ها عبارتند از:

حوزه‌های علمیه: از دیرباز حوزه‌های متعددی در این شهر وجود داشته که متأسفانه برخی به دلایل گوناگون امروز دایر نیست؛ اما حوزه علمیه امام صادق (ع)، الثقاتیه، مولودریخان و شیخ الاسلام و دو حوزه خواهران از دوره مقدمات تا درس خارج فقه را تدریس کرده و فعالاند. دانشگاه‌ها: وجود دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و به تبع آن حضور حداقل یک ساله دانشجویان غیرایرانی برای گذراندن دوره آموزش زبان فارسی در آن، این دانشگاه را به عنوان یکی از مراکز فعال فرهنگی مطرح کرده است. بسیج دانشجویی و تشکل‌های جامعه اسلامی، انجمن اسلامی، کانون‌های فرهنگی دانشجویی و دفتر نمایندگی نهاد رهبری از جمله دیگر مراکز فعال دانشگاهی در سطح استان است.

برخی مراکز فعال دیگر فرهنگی غیر دولتی عبارتند از: اردوگاه جهادی شهدای علم و فناوری، موزه نگارخانه هنر پایداری (در حوزه پایداری) و بسیاری از هیئات مذهبی و کانون‌های فرهنگی هنری مساجد که به دلیل کثرت از اشاره به نام آن‌ها خودداری می‌کنیم، از جمله مجموعه‌های فعال و جریان‌ساز در شهر هستند.

لزوم کار جمعی در عرصه فرهنگ

وقتی که دشمنی به ما حمله می‌کند، طبعاً باید از خود دفاع کنیم. "معمولا" هم همین کار را می‌کنیم. به این دلیل می‌گوییم "معمولا" که گاهی دیده می‌شود که باین که دشمن به ما حمله کرده، و به همه‌ی مانیز حمله کرده، مانع تنها از جمع خود، بلکه از خود خودمان هم دفاع نمی‌کنیم. اگر دشمن یک کشور به آن کشور حمله کند، "معمولا" نیروهای نظامی آن کشور به سرعت بسیج شده و به مقابله با دشمن می‌پردازند. به این دلیل می‌گوییم "معمولا" که گاهی دیده می‌شود که باین که دشمن به یک کشور حمله کرده، نیروهای نظامی آن کشور نه تنها از همه‌ی کشور دفاع نمی‌کنند، بلکه از حوزه‌ی استحفاظی خود نیز دفاع نمی‌کنند.

مثلاً ما و دشمن و جنگ فرهنگی ما، مانند دو مثال بالاست. در واقع بیشتر ما همان استثنای مثال‌های بالا هستیم. همان‌هایی که نه تنها از همه‌ی جبهه‌ی فرهنگی انقلاب دفاع نمی‌کنیم، بلکه از شهر خود نیز - که حوزه‌ی استحفاظی خودمان هم هست - دفاع نمی‌کنیم. همه‌ی آن‌هایی که جنگی را تجربه کرده‌اند، و یا حتی در فیلم‌ها دیده‌اند، به این امر واقفند که برای از بین بردن دشمن متجاوز، نیروهای جنگی باید بیشترین هماهنگی را با هم داشته باشند. حال چه اتفاقی افتاده که در این نبرد عظیم فرهنگی، هر یگانی از یگان‌های لشکر انقلاب، به یک جهت حمله می‌کند و در یک منطقه عمل می‌کند، الله اعلم... همین قدر بدان که امامت به دنبال یار است، نه بار. مبادا بعداً ما که حقایق روشن‌شده، ببینی که تو و یگانت به سوی لشکر خودی تیر می‌انداختید...

البته ناگفته نماند که در استانمان قزوین، تاکنون چندین رزمایش فرهنگی با حضور اجتماع مجموعه‌های فعال برگزار شده است و هر بار نیز شاهد این ظرفیت‌های عظیم بوده‌ایم. یقیناً دست خداوند با جماعتی با غیرت است همراه با غرور مؤمنانه و اخلاص‌های برآمده از شور و شعور انقلابی، که الحق کارستان می‌کند و روزهای پر جنب و جوش دشمنان را به شب‌های تاریکی و عزلت تبدیل می‌کند. اما هنوز تا رسیدن به سر منزل مقصود، فاصله زیادی در پیش است. دیگر وقت تماشا کردن و نشستن نیست. یاران انقلابی بشتابند و ملحق شوند به این لشکر عظیم و باشکوه. هر کس که پیمان ولاء دارد بپاید...



شب وداع

شب وداع برنامه فاختری که دو سالی است به پیشنهاد مجموعه هیئات و با مشارکت ۳۴ مجموعه فرهنگی فعال استان برگزار می شود و هفت هزار نفر از مردم شهر قزوین، وداع با ماه خدا را در فضای اردوگاه جهادی شهدای علم و فناوری تجربه می کنند. حجت الاسلام سید مهدی خضری، حاج حسین یکتا و حاج مهدی سلحشور به عنوان سخنران، راوی و مداح این برنامه در کنار فضای مناجات، حال و هوای جبهه هارانیز به آسمان اردوگاه سوق دادند. نمایشگاه کتاب و محصولات فرهنگی، ایستگاه های صلواتی و مهد کودک حسینی از حاشیه های این برنامه بود.



اردوگاه جهادی شهدای علم و فناوری

www.ordoogah.org

چرا اردوگاه ساخته نشد؟

برای دوره جوانی صفتهای زیادی ذکر می کنند؛ اما طراوت و نشاط اجزای جدانشدنی این دوره اند. اجزایی که نباید هنگام برنامه ریزی فرهنگی برای این نسل نادیده گرفته شوند. این نشاط اگر در مسیر خیر و جهاد به کار گرفته شود؛ می شود همان فرموده پیامبر که تفریح و گشت و گذار جوانان امت من در جهاد فی سبیل الله است. مبنای اردوگاه جهادی تافیقی از یک برنامه سراسر شور و نشاط در قالب فعالیت های ورزشی و رزمی با کلاس ها و برنامه های فرهنگی است. اعتقاد ما این است که این تلفیق نه تنها ضرری به برنامه وارد نمی کند بلکه باعث هم افزایی نیز می شود.

اردوگاه جهادی شهدای علم و فناوری در تیرماه سال ۱۳۹۱ در منطقه باراجین قزوین به بهره برداری رسید. این اردوگاه با مساحت تقریبی ۶۰۰۰ مترمربع فضای خشکی و بیش از ۴۰۰۰ مترمربع فضای آبی، در بخش شمالی مجموعه ی فرهنگی ورزشی طلایه قرار گرفته است. اردوهای برگزار شده در این اردوگاه، در قالب دوره های یک تاسه روزه، ویژه ی دانشجویان و دانشگاہیان، طلاب و دانش آموزان و معلمان و مدیران با پذیرش گروه های ۵۰ الی ۷۵ نفره اجرا می شود. تا کنون حدود ۲۵۰۰ نفر از اعضای فعالان فرهنگی و دانشجویی در حوزه استانی و کشوری از برنامه های آن بهره مند شده اند.



نتیجدهای علم و فناوری

نام اردوگاه را به شهدای علم و فناوری مزین کردیم و گفتیم شاید با این نام گذاری تا حدی به دغدغه حضرت آقامبنی بر رفع محجوریت این عزیزان گامی برداشته باشیم. این انسان ها ممکن است خیلی هم در چشم نباشند، اما آدم هایی هستند که فهمیدند سفره جهاد در فضای علم هم مرد میدان می خواهد. خون می خواهد. بی ادعا آمده اند. بعضی در همین راه شهید علم می شوند. تهرانی مقدم، احمدی روشن، شهریاری و علی محمدی و آشتیانی از این قبیله اند.

برنامه های ورزشی

بخش اعظمی از شور و نشاط اردوگاه، از برنامه های ورزشی و رزمی و تفریحی ایجاد می شود. این برنامه ها مشتمل بر ورزش های آبی و خاکی است که هر کدام با هدف خاصی در برنامه گنجانده شده و آمادگی رزمی و روحی بالایی را برای مخاطبان به ارمغان می آورد.

۱. برنامه ورزش های آبی:

- کانو سواری

- غواصی

- شنا

- پرش از قایق موتوری

۲. برنامه ورزش های خاکی:

- آشنایی با نقشه خوانی و قطب نما

- موتور چهار چرخ

- تیراندازی با کمان

- تیراندازی با تفنگ بادی

- رزم شبانه

- راپل

- سرسره

- پینت بال



برنامه های آموزشی

سعی شده مباحثی که در این کلاس ها ارائه می شود، مسائلی با اولویت بالا و مورد نیاز روز جوانان و دانشجویان باشد. برخی مباحث طرح شده در دوره های مختلف اردوگاه عبارتند از:

کلاسها:

- اخلاق

- سبک زندگی آمریکایی

- زندگی جهادی

- هیئت داری

- آشنایی با سیرهای مطالعاتی

- آشنایی با کرسی های آزاداندیشی

- سخنوری و فن بیان

- روش مطالعه و یادگیری و...

ب) حلقه ها با موضوعات:

- ازدواج

- شغل

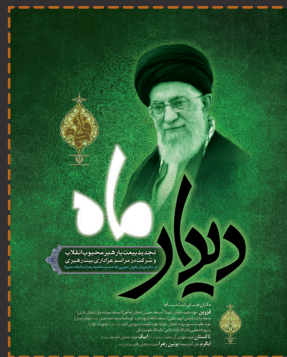
- تحصیل





دیدار ماه

دیدار ماه اردویی است که به صورت خودجوش و با مشارکت مجموعه های فعال فرهنگی استان قزوین دوسالی است در ایام فاطمیه برگزار می شود. در این برنامه به تعداد شصت دستگاه اتوبوس و با مساعدت ۲۵ مجموعه فعال استان، ۲۴۰۰ نفر از مردم قزوین در مراسم شام غریبان حضرت زهرا (س) در حسینیه امام خمینی (ره) با حضور مقام معظم رهبری شرکت کردند. در کنار مردم قزوین مردم شهرهای بوئین زهرا، تاکستان، آبگرم، محمدیه، البرز، اسفرورین، آوج، خرمدشت، فارسجین، نیکویه و... نیز حضور داشتند از اقدامات جانبی این برنامه می توان به طراحی و چاپ ۵۰۰۰ پوستر با نام مجموعه های فرهنگی مشارکت کننده، تدارک ۲۰۰۰ غذای بین راهی برای زائرین و توزیع سربنده عنوان نماد مشترک تحت عنوان "قدائیان رهبریم" اشاره کرد.



پیوست

امام به ما آموخت که انتظار تنها در مبارزه است...



نقشه نجف کربلا

اطلاعات ضروری

- میزان مسافت: ۸۰ کیلومتر
- تعداد ستون ها: ۱۴۵۲ ستون
- فاصله بین هر ستون: ۵۰ متر (۲۰ ستون = ۱ کیلومتر)
- زمان لازم برای پیاده روی: ۲۰ تا ۲۵ ساعت
- زمان تخمینی سفر پیاده: ۲ تا ۳ روز

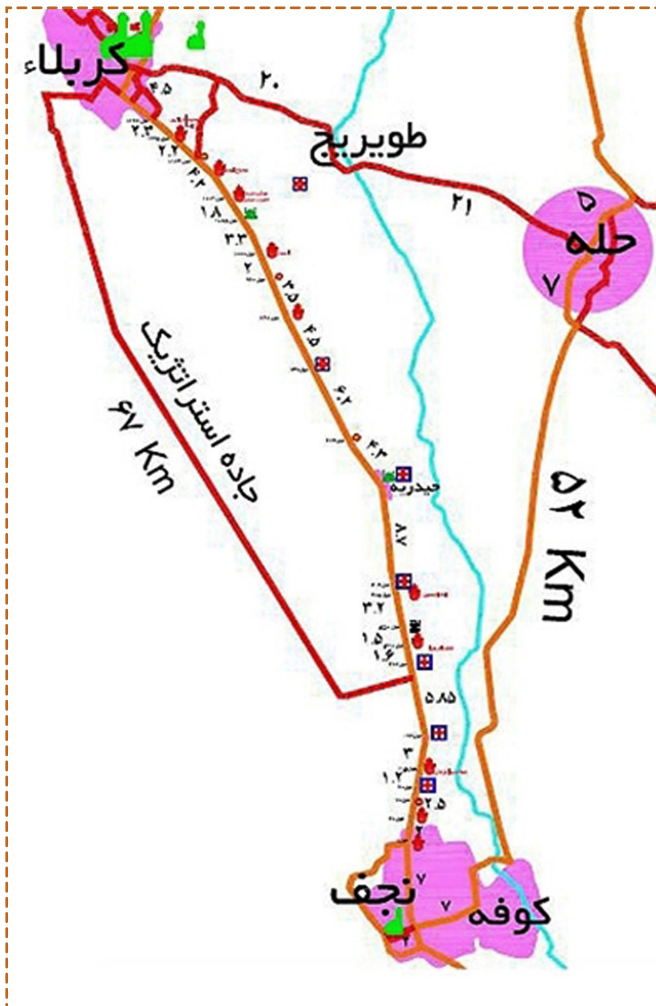
دستور العمل های پیاده روی:

۱. پیاده روی را از طلوع آفتاب آغاز کرده و در مغرب به طور کامل توقف کنید.
۲. اولین شب را در یکی از موبک ها (کمپ یا حسینیّه) در حدود ستون ۵۰۰ دومین شب را حدود ستون ۱۰۰۰ بگذرانید.
۳. مدت طولانی پیاده روی نکنید. هر زمانی لازم بود استراحت کنید.
۴. در زمان نماز مغرب جایی را برای خواب بین صدها موبک (کمپ یا حسینیّه) پیدا کنید. نیازی به نگرانی نیست چون تعدادی زیادی از این موبک ها وجود دارد.

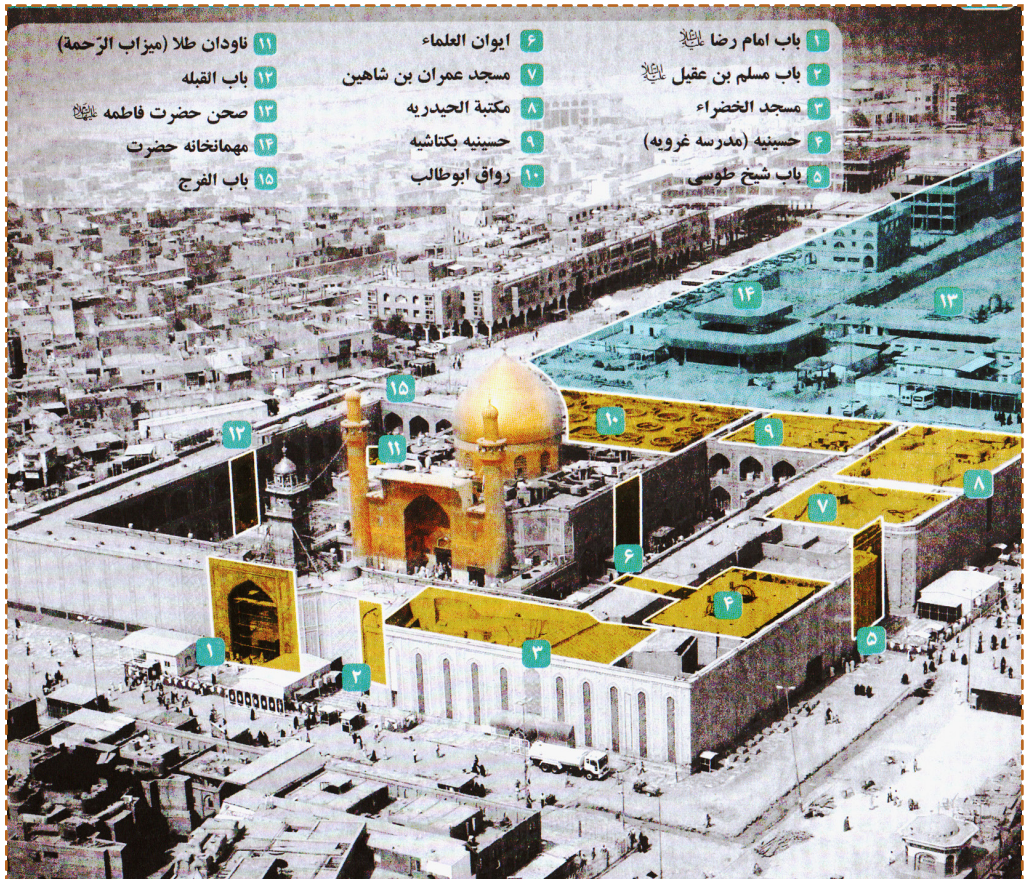
۵. مراکز افراد گمشده در ستون های ۳۳۵، ۷۲، ۶۰۲، ۱۱۰۳ و حرم حضرت عباس (علیه السلام) قرار دارند. هر ۳ کیلومتر مرکز گزارش گمشدگان تعبیه شده است.

شماره های مهم:

- اورژانس: ۱۰۴
- افراد گمشده: ۰۷۸۰۱۳۰۵۶۱
- احکام شرعی: ۰۷۸۱۴۶۵۱۳۵۳
- اداره مرکزی: ۰۷۸۰۱۰۰۴۷۵۸



نقشه حرم حضرت علی (ع)



علمای مدفون در حرم حضرت علی (ع)

مقبره شیرازی



میرزا محمد حسن شیرازی
متوفی ۱۳۰۰ هـ.ق.



سید عبدالهادی شیرازی
متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق.



آقا ضیاء الدین عراقی
متوفی ۱۳۶۱ هـ.ق.



سید محمد جواد طباطبایی تبریزی
متوفی ۱۲۸۷ هـ.ق.



شیخ مرتضی انصاری متوفی
۱۲۸۱ هـ.ق.



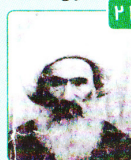
شیخ محمد طه نجف
متوفی ۱۳۳۳ هـ.ق.



شیخ عباس قمی
متوفی ۱۳۱۹ هـ.ق.



میرزا محمد حسین نائینی
متوفی ۱۳۵۲ هـ.ق.



شیخ فضل الله شیخ الشریعة
متوفی ۱۳۳۹ هـ.ق.



سید علی اکبر خوی
متوفی ۱۳۷۱ هـ.ق.



سید مصطفی خمینی
متوفی ۱۳۵۶ هـ.ق.



شیخ محمد غروی اصفهانی
متوفی ۱۳۶۱ هـ.ق.



سید حسین قمی
متوفی ۱۳۶۶ هـ.ق.



سید ابوالقاسم خویی
متوفی ۱۴۱۳ هـ.ق.



آخوند محمد کاظم خراسانی
متوفی ۱۳۲۹ هـ.ق.



شیخ حبیب الله وشتی
متوفی ۱۳۱۲ هـ.ق.



سید ابوالحسن اصفهانی
متوفی ۱۳۵۶ هـ.ق.



سید حسن بجنوردی
متوفی ۱۳۶۵ هـ.ق.



سید محمد کاظم یزدی
متوفی ۱۳۳۷ هـ.ق.



سید عبدالحسن شرف الدین
متوفی ۱۳۷۷ هـ.ق.



سید محمود شاهرودی
متوفی ۱۳۵۳ هـ.ق.



ملا احمد نراقی
متوفی ۱۲۴۵ هـ.ق.



ملا محمد مهدی نراقی
متوفی ۱۲۰۹ هـ.ق.



شیخ محمد فاضل شریانی
متوفی ۱۳۳۲ هـ.ق.

ایوان العلما

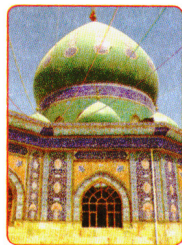
غرب ایوان العلما

شماره ۶۲ مربوط به حجره محل دفن هر عالم در حرم حضرت امیر (ع) می باشد

نقشہ محل دفن ستارگان حرم حضرت علی (ع)

۱. آقا ضیاء عراقی
۲. علمای بنی صدر
۳. محمد حسین اصفهانی
۴. اسماعیل محلاتی
۵. سید موسی مازندرانی
۶. سید محمد جواد تبریزی
۷. فتحعلی سلطان آبادی
۸. محمد رضا نائینی
۹. شیخ اعظم مرتضی انصاری
۱۰. طبع تحف
۱۱. میرزا حسین نوری
۱۲. شیخ عباس قمی
۱۳. میرزا حسین نائینی
۱۴. شیخ الشریعه اصفهانی
۱۵. علی اکبر خونی
۱۶. سید ابوالحسن اصفهانی
۱۷. سید حسن یچنوردی
۱۸. شیخ حبیب الله رشتی
۱۹. آخوند خراسانی
۲۰. سید ابوالقاسم خونی
۲۱. سید محمد کاظم یزدی
۲۲. سید عبدالحسین شرف الدین
۲۳. **کنار گلدسته سمت باب طوسی**
۲۴. علامه حلی
۲۵. سید محمد حسین غروی اصفهانی
۲۶. سید مصطفی خمینی
۲۷. **کنار گلدسته سمت باب القبله**
۲۸. مقدس اردبیلی
۲۹. **ایوان العلما**
۳۰. ملا محمد مهدی نراقی
۳۱. ملا احمد نراقی
۳۲. **روبخ غرب ایوان العلما**
۳۳. شیخ محمد فاضل شریانی
۳۴. **آرامگاه میرزای شیرازی**

نقشه شهر کربلا و اماکن موجود



۴ خیمه گاه (مخیم)



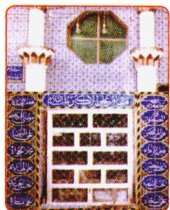
۳ تل زینبیه



۲ حرم مطهر ابوالفضل العباس (ع)



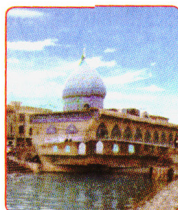
۱ حرم مطهر ابا عبدالله الحسین (ع)



۱۰ مقام علی اکبر (ع)



۹ محل ملاقات امام حسین (ع) یا عمر سعد



۸ مقام صاحب الزمان (ع)



۷ شیر فضه



۶ کف العباس (راست)



۵ کف العباس (چپ)



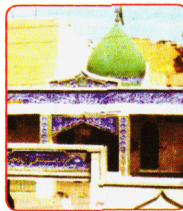
۱۵ مقام امام موسی کاظم (ع)



۱۴ مرقد ابن فهد حلی



۱۳ مقام امام صادق (ع)



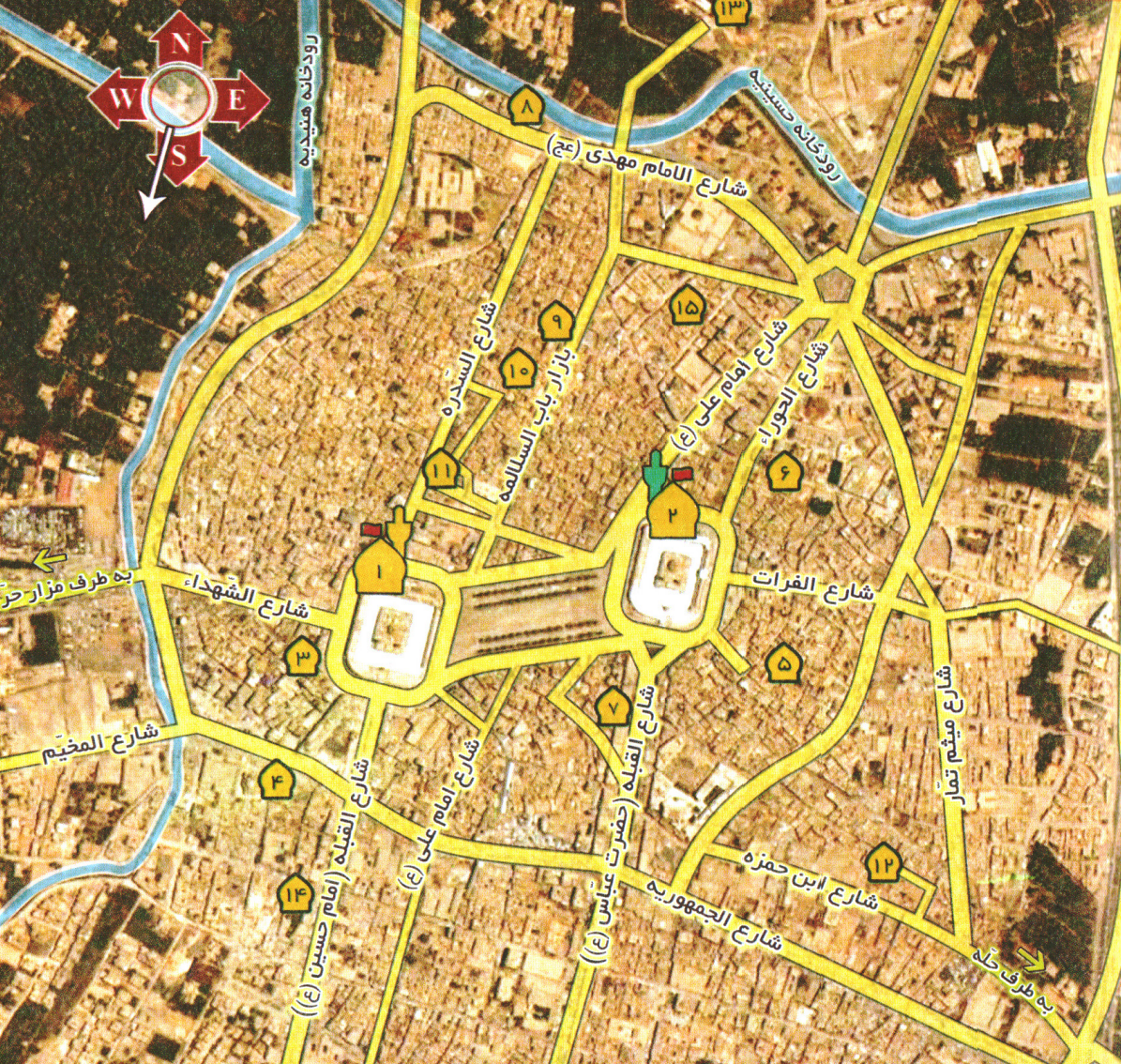
۱۲ مرقد ابن حمزه



۱۱ مقام علی اصغر (ع)

موسسه
ترجمه و
تألیف

موسسه
ترجمه و
تألیف



علمای مدفون در حرم امام حسین (ع)



میرزا محمد تقی شیرازی



شیخ حسین مازندرانی



میرزا محمد جعفر شیرستانی



سید محمد هاشم قزوینی



میرزا تقی خان امیر کبیر



سید مهدی شیرازی



سید محمد رضا شیرازی



سید احمد راغب زاده فالی



سید علی اکبر حسینی کاشانی



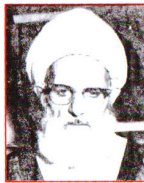
شیخ محمد حسن مامقانی



شیخ عبدالله مامقانی



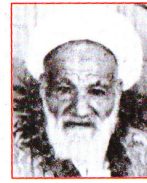
سید هادی خراسانی



شیخ محمد کلباسی



شیخ یوسف بیرجندی



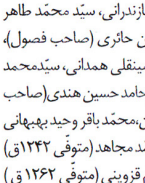
شیخ محمد رضا اصفهانی چرقوبه‌ای



سید حسین معنوق خراسانی



سید محمد علی سیبویه



شیخ یوسف بیرجندی
سید شریف رضی، سید شریف مرتضی، شیخ زین العابدین مازندرانی، سید محمد طاهر بحرانی، سید علی طباطبایی (صاحب ریاض)، شیخ محمد حسن حائری (صاحب فصول)، سید ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط)، شیخ جعفر مازندرانی، ملا حسینقلی همدانی، سید محمد صادق قزوینی، سید محسن کشمیری، سید مصطفی اعتمادی، میر حامد حسین هندو (صاحب عقبات)، سید مرتضی طباطبایی، سید مجاهد سید صادق ناصرالدین، محمد باقر وحید برهیمانی (متوفی ۱۲۰۵ ق)، شیخ یوسف بحرانی (متوفی ۱۸۶ ق)، سید محمد مجاهد (متوفی ۱۲۴۲ ق) (فرزند طباطبایی صاحب ریاض) (شریف العلماء حائری، سید ابراهیم قزوینی (متوفی ۱۲۶۲ ق) صاحب ضوابط و شیخ ملا محمد صالح برغانی حائری (متوفی ۱۲۷۱ ق) و...)



سید احمد خاتمی



سید حسین معنوق خراسانی



سید محمد علی سیبویه

زیارت امین الله

زیارت معروف به «امین الله» است که در نهایت اعتبار می باشد و در تمام کتابهای زیارتی و مصابیح نقل شده. علامه مجلسی (ره) فرموده: این زیارت از جهت متن و سند از بهترین زیارات است و باید در تمام روضه های ائمه بر آن مواظبت نمایند، درباره این زیارت به سندهای معتبر از جابر، از امام باقر علیه السلام روایت شده: حضرت زین العابدین علیه السلام به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام آمد، و در کنار قبر آن حضرت ایستاد و گریست و چنین گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ)، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جَوَارِهِ فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَالْزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مَطْمَئِنَّةً بِقُدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ مُحِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةٍ فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ صَابِرَةً عَلَى نَزُولِ بَلَائِكَ أَشَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعَمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَائِغِ آلَائِكَ مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً لِلتَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتُنَائِكَ. پس روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّ وَسُبُلَ الرَّغْبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَأَعْلَامُ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَأَفِيدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةٌ وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ وَدَعْوَةٌ مِنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ وَتَوْبَةٌ مِنْ أَنْابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَغَبْرَةٌ مِنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْإِغَاثَةُ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ [مَبْدُولَةٌ] وَالْإِعَانَةُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةٌ [مَوْجُودَةٌ] أَوْعَاثُكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَرَةٌ وَزَلَّلَ مَنْ اسْتَقَالَكَ مَقَالَةٌ وَأَعْمَالُ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَأَرْزَاقُكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ

نَازِلَةً وَعَوَائِدِ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً وَذُنُوبِ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً وَحَوَائِجِ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةً وَجَوَائِزِ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوفَّرَةً وَعَوَائِدِ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً وَمَوَائِدِ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ [لَدَيْكَ] مُتَرَعَّةً اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي وَمُنْتَهَى مَنَائِي وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ. أَنْتَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ اغْفِرْ لَأَوْلِيَائِنَا وَكَفِّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا وَاشْغَلْهُمْ عَنْ أَذَانَا وَأُظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَ أَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ



زيارت عاشورا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ
 الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثَرَ
 الْمُؤْتَوِّرَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكُمْ مِنْ جَمِيعِ سَلَامِ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ
 بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمَصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ
 أَهْلِ الْأَسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ
 أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَازَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي
 رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتِمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ
 وَالْيَكْمِ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتِّبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ
 حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَلَعَنَ اللَّهُ بَنَ مَرْجَانَةَ وَ
 لَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَالْجَمْتَ وَتَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ يَا بَنِي أَنْتَ وَأُمِّي
 لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ فَاسْئَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ
 مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَ
 إِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ وَبِالْبِرَائَةِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَ
 عَلَى أَشْيَاعِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَكْمِ مِنْهُمْ وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاةِ وَيَكْمِكُمْ وَبِالْبِرَائَةِ
 مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبِ وَبِالْبِرَائَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتِّبَاعِهِمْ إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ
 لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِي لِمَنْ وَالَاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ فَاسْئَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ
 أَوْلِيَائِكُمْ وَرَزَقَنِي الْبِرَائَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمٌ

صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ
 إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يَعْطِيَنِي بِمَصَابِي
 بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَابًا بِمُصِيبَةٍ مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ زَرْيَتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمَوَاتِ وَ
 الْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ
 مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بِنِوَامِيَّةٍ وَأَبْنُ
 أَكَلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ
 وَقَفَ فِيهِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْعَنَ أَبَا سُفْيَانَ وَمَعَاوِيَةَ وَيزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ
 الْأَبَدِينَ وَهَذَا يَوْمٌ فَرَحْتُ بِهِ أَلْزِيَادُ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِكُمُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ فَضَاعَفْ عَلَيْهِمْ
 الْعَنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ الْأَلِيمَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبَرَاءَةِ
 مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَبِالْمَوَالِاتِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

پس می گوئی صد مرتبه اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له على ذلك
 اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين وشايعت و بايعت و تابعت على قتله اللهم العنهم جميعاً
پس میگوئی صد مرتبه السلام عليك يا ابا عبد الله و على الارواح التي حلت بفنائك عليك مني سلام
 الله ابدأ ما بقيت و بقى الليل و النهار و لا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم السلام على الحسين و على
 على بن الحسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين

پس می گوئی اللهم خص انت اول ظالم باللعن مني و ابدء به و لا اثم الثاني و الثالث و الرابع اللهم العن
 يزيد خامساً و العن عبيد الله بن زياد و ابن مرجانة و عمر بن سعد و شمراً و آل ابی سفیان و آل زياد و آل
 مروان الى يوم القيامة

سپس سجده می روی و میگوئی اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على
 عظيم رزيتي اللهم ارزقني شفاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبْتُ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدِكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ
 أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مُهْجَتَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

❖ زیارت اربعین

چهل روز از واقعه عاشورا می گذرد، جابر بن عبد الله انصاری اولین زائر اربعین حسین علیه السلام؛ این یار صدیق رسول خاتم صلی الله علیه و آله وسلم به بزرگداشت حماسه حسینی می پردازد؛ آری اربعین حسینی نقطه آغازی است برای تزریق خون حسین (ع) در کالبد جامعه اسلامی، نقطه آغازی که به قیام نهمین فرزند حسین منتهی می شود. برای ۲۰ صفر و اربعین حسینی اعمالی مستحبی چون زیارت امام حسین علیه السلام تاکید شده است، چنان که امام حسن عسکری علیه السلام یکی از ۵ علامت مختص شیعه را زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام در روز اربعین توصیف می کند، هر چند برای کسانی که توانایی سفر به کربلا را ندارند، خواندن زیارت اربعین که توسط امام صادق علیه السلام در کتاب «التهدیب» شیخ طوسی آمده است، توصیه شده است.

متن کامل زیارت اربعین به شرح زیر است:

اَللّٰهُمَّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَحَبِيْبِهِ السَّلَامُ عَلٰى خَلِيْلِكَ اَللّٰهُمَّ وَنَجِيْبِهِ السَّلَامُ عَلٰى صَفِيِّكَ اَللّٰهُمَّ وَابْنِ صَفِيِّكَ السَّلَامُ
عَلٰى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُوْمِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلٰى اَسِيْرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيْلِ الْعَبْرَاتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَشْهَدُ اَنَّكَ وَلِيُّكَ
وَابْنُكَ وَصَفِيْكَ وَابْنُ صَفِيْكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ اَكْرَمَتْهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبُوْتُهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتَبَيْتُهُ
بَطِيْبِ الْوِلَادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِّنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِّنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِّنَ الذَّادَةِ وَاعْطَيْتُهُ مَوَارِثَ الْاَنْبِيَاءِ
وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلٰى خَلْقِكَ مِّنَ الْاَوْصِيَاءِ فَاَعْذِرْ فِى الدَّعَاةِ وَمَنْحِ النَّصْحِ وَبَدِّلْ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ
عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنُ عَزَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْاَرْضِ ذُلِّ الْاَذْنٰى وَشَرِّ
اَخِرَتِهِ بِالثَّمَنِ الْاَوْكَسِ وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِى هَوَاةٍ وَّاسْخَطَكَ وَاَسْخَطَ نَبِيْكَ وَاَطَاعَ مَنُ عِبَادِكَ
اَهْلَ الشَّقَاكِ وَالنَّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْاَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِيْنَ النَّارِ فَجَاهِدْهُمْ فَيْكَ صَابِرًا مُّخْتَسِبًا حَتّٰى سَفِكَ

فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتُبِيحَ حَرِيمُهُ اللَّهُمَّ فَالْعُنُفُ لَعْنًا وَبِئْسَ عَذَابًا أَلِيمًا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ
 رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيداً وَمَضَيْتَ
 حَمِيداً وَمُتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً شَهِيداً وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ
 قَتَلَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ
 اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَعَدُوُّ لِمَنْ
 عَادَاهُ يَا بَنِي آدَمَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ
 تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ
 الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْبَرُّ الْتَقَى الرِّضَى الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَأَشْهَدُ
 أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنِّي
 بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَيَا بَابَكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ
 وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ
 وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

لغات پرکاربرد عربی

زمان و تاریخ		خویشاوندی		زمان و رنگ‌ها					
لحظة	لحظه	اليوم	امروز	أب	پدر	أُنثى	دوشیزه	أخضر	سبز
ثانية	ثانیه	أمس	دیروز	أم	مادر	الجدّ	پدر بزرگ	أحمر	قرمز
دقيقة	دقیقه	قبل أمس	پریروز	أخ	برادر	الجدّة	مادر بزرگ	أصفر	زرد
ساعة	ساعت	البارحة	دیشب	إخوان	برادران	الزّوج	شوهر، مرد	أبيض	سفید
نهار	روز	اولة البارحة	پریشب	أخت	خواهر	الزّوجة	همسر، زن	أسود	سیاه
ليل	شب	غداً – بكرة	فردا	أخوات	خواهران	إبن العمّ	پسر عمو	أزرق	آبی
ليالى	شب‌ها	بعد غدٍ	پس فردا	رّجل	مرد	بنت العمّ	دختر عمو	بنّی	قهوه‌ای
فجر	سپیده دم	أسبوع	هفته	رجال	مردان	أخت الزّوج	خواهرشوهر	بنفسجی	بنفش
يوم	روز	شهر	ماه	إمرأة	زن	الحفيد	نوه پسر	رمادی	خاکستری
أيام	روزها	شهور	ماه‌ها	نِسوان	زنان	الحفيدة	نوه دختر	وردی	صورتی
روزهای هفته		سنة	سال	إبن	پسر	الکنة	عروس	برُنقالی	نارنجی
السّبت	شنبه	سنتين	دوسال	أبناء	پسران	المصهر	داماد	حُمصی	کرم
الأحد	یکشنبه	سنين	سال‌ها	إبنة	دختر	زّوج الأخت	شوهرخواهر	ذهبی	طلایی
الاثنين	دوشنبه	فصول چهارگانه		بنات	دختران	زوجة الأخ	زن برادر	فِصّی	نقره‌ای
الثلاثاء	سه شنبه	الربيع		خال	دایی	غير شقيق	ناتنی	رصاصی	سربی
الأربعاء	چهارشنبه	الصيف		خالة	خاله	الأقرباء	بستگان	کُحلی	سرمه‌ای
الخميس	پنجشنبه	الخريف		عمّ	عمو	الأسرة	خانواده	فاتح	روشن
الجمّعة	جمعه	الشتاء		عمّة	عمّه	الأرحام	ارحام	غامق	تیره

لغات پرکاربرد عربی

اعضای بدن			اعداد ترتیبی		اعداد				
مُج	رِسْغ	بدن	جِسم	يَكُم	الأول	۳۰	۱	ثلاثين	واحد
بازو	ذِرَاع	سر	رَأْس	دَوَم	الثاني	۴۰	۲	أربعين	إثنين
آرنج	كوع	مو	شعر	سَوَم	الثالث	۵۰	۳	خمسین	ثلاثة
شانه	كتف	زبان	لسان	چهارم	الرابع	۶۰	۴	ستین	أربعة
ران	فخذ	صورت - رو	وجه	پنجم	الخامس	۷۰	۵	سبعین	خمسة
ساق پا	ساق	پیشانی	جبین	ششم	السادس	۸۰	۶	ثمانین	سنة
زانو	رُكبة	چشم	عين	هفتم	السابع	۹۰	۷	تسعين	سبعة
پا	قدم	بینی	أنف	هشتم	الثامن	۱۰۰	۸	مأة	ثمانية
پوست	جلد	گوش	أذن	نهم	التاسع	۲۰۰	۹	ماتین	تسعة
خون	دَم	دهان	فَم	دهم	العاشر	۳۰۰	۱۰	ثلاثمأة	عشرة
پشت	ظَهر	لب	شَفة	یازدهم	الحادی عشر	۴۰۰	۱۱	أربعمأة	أحد عشر
سینه	صدر	حلق	خلق	دوازدهم	الثانی عشر	۵۰۰	۱۲	خمسَمأة	إثنی عشر
شکم	بطن	گونه	خَد	کسر اعداد		۶۰۰	۱۳	ستمأة	ثلاثة عشر
پزشک	الطبيب	گردن	رَقبة	دو برابر	ضعف	۷۰۰	۱۴	سبعمأة	أربعة عشر
فشار خون	ضغط الدَم	چانه	ذَقن	نیم	نصف	۸۰۰	۱۵	ثمانمأة	خمسة عشر
داروخانه	صيدلية	دندان	أَسنان	یک سوم	ثلث	۹۰۰	۱۶	تسعمأة	سنة عشر
باند	ضمادة	سیبل	شارب	رُبع	رُبع	۱۰۰۰	۱۷	ألف	سبعة عشر
چسب زخم	لُرقة	ریش	لَحیة	سه ربع	ثلاثة أرباع	۲۰۰۰	۱۸	ألفین	ثمانية عشر
اینجا دراز بکش	أرقد هنا	دست	ید	یک پنجم	خمس	۳۰۰۰	۱۹	ثلاثة آلاف	تسعة عشر
دهانت را باز کن	افتح فمک	انگشت	إصبع	یک ششم	سُدس	میلیونها	۲۰	ملايين	عشرون
سرفه کن	إسعل	ناخن	ظفر	یک دهم	عشر	خمسين بالمأة ۵۰٪	۲۱	واحد وعشرين	

لغات پرکاربرد عربی

حیوانات

أَسَد شیر
بَقَرَة گاوماده
نَعْبَان مار
ثُور گاونر
جَمَل شتر
حَمَامَة کبوتر
دِجَاجَة مرغ
سَمَكَة ماهی
عَصْفُور گنجشک
خُرُوف گوسفند
قَطْ گربه
نَاقَة شتر ماده
نَحْلَة زنبور عسل
نَمْلَة مورچه
پست
رَسَالَة نامه
طَایِع برید
تَمْرِ بریدسریع
عُنوان آدرس
الرَّسَل فرستنده
الرَّسَل إِلَیه گیرنده

رستوران

صَحْن بشقاب
مَلْعَقَة قاشق
شَوْکَة چنگال
سَبْکِین چاقو
فَنَدَک فندق
کَبْرِیت کبریت
سَلَة سبد
کَاس لیوان
إِبْرِیق پارچ
يَخْجَال یخچال
شیر آب
صَحْن گوشت
دِجَاج مرغ
بَیْض تخم مرغ
سَمَك ماهی
مَقْلَبَة سرخ کرده
زَیْت روغن مایع
خُبْز نان
سَلْطَة سالاد
شُورْبَة سوپ
مَاءِ سَاخِن ماءساختن
مُرْطَبَات نوشیدنی

میوه جات

جَزَر سویج
خَس کاهو
بَصَل پیاز
خِیار خیار
شَمَنْدُور چغندر
فِجَل ترب
قَرْنَبِیْط گل کلم
کُزْبُورَة گشنیز
سِمْسِم کندج
خَوْخ آلو - هلو
عَرْمُوط گلابی
تَیْن انجیر
فَاکِهَة میوه
طَازَج تازه
عَصِیر آبمیوه
بَطَاطَا سیب زمینی
ثُوم سیر
بَازِلَاء نخود فرنگی

در بازار

سُوق بازار
بَدَلَه کت و شلوار
قَمِیص پیراهن
تَنْوَرَه دامن
حِزَام کمربند
سِرْوَال قَصِیر شلوارک
بَنْطَلُون شلوار
سِرْوَال داخلی شورت
جَوَارِب جوراب
رِجَالی مردانه
نِسانِی زنانه
قُبْعَة کلاه
رِبْطَه روسری
قُطْن پنبه
صُوف پشم
کَتَان کتان
حَرِیر ابریشم
قِمَاش پارچه
مِنْشَفَه حوله
لَعِبَة اسباب بازی
شَمْسِیَه چتر
مَطْعَم رستوران
لَا نَحْه الطَّعام لیست غذا
وَجِبَة طَعام پُرس غذا
مَلَح نمک
لَبَن دوغ
رَوْبَه ماست
حَلِیب شیر
چَبْنَة پنیر
چای شای
سُکَّر شکر
مُرْبِی مربا
سَادَة ساده
مُنْقَط خالدار
مُخْطَط راه راه
مُرْبَعَات چهارخانه
سَاعَة بِد ساعت مچی
ثِیَاب لباس
نَظَّارَه عینک
خَریْد و فَرُوش
بِیع فروش
شِرَاء خرید
سِعْر نرخ
نوعیة جیدة جنس خوب
نوعیة سَیِّئَة جنس بد
عَالِی عالی
مُنْقَض پائین
غَال گران
رَخِیص ارزان
مَعْقُول مناسب
تَذْكَار یادگاری
إِكْرَامِیَه انعام
تَخْفِیضَات تخفیف

لغات پرکاربرد عربی

در حرم و مسجد

جامع، مصلی مسجد
صلاة قصر نماز شکسته
تَجَاهُ الْقِبْلَةِ رو به قبله
تُرْبَةُ مَهْر
سبحه تسبیح
سَجَاد جانماز
کیشوانیه کفشداری
حافی پابرهنه
مُکَبَّرَاتُ الصَّوْتِ بلندگو
چهر صدای بلند
إِخْفَات صدای آهسته
در شهر

در هتل

فُنْدُق هتل
عِمَارَة ساختمان
باب در
نَافِذَة، شَبَاک پنجره
غُرْفَة اتاق
شَفَّة سوئیت، آپارتمان
مَطْعَم رستوران
سَرِیر تختخواب
مِخْدَة مِکَا مِکَا
نَسِیج منسوجات
إِکْسوسارات لوازم یدکی
خُیُوط نخ
مراحمض، مرافق توالت
مَقْعَد جای نشستن
کُرسی صندلی
هَاتِف تلفن
إِبْرَة سوزن
أَثَاث اسباب و اثاثیه
بَسَاط قالیچه
مِثْمَشَقَة وَجْه حوله
سَرِیر تخت
مکنسه
کهریائیة
طاولة
علاقة پاکت دسته‌دار
فِرْن غاز اجاق گاز
فرشاة آستان مسواک
معجون آستان خمیر دندان
مِدْفَاء بخاری
مِرَاة آینه
مِشْط شانه
مِفْتَاح کلید
مَقْص اطو
مِکَوَا قیچی
مِمْسَخَة ارض زمین‌شور
قَنَاة ماهواره
لَوْحَة تابلو
مَصْعَد آسانسور
اِطْلَاعَات اطلاعات
اِمضَاء امضاء
عَاظِل خراب
إِسْتِمَارَة فرم

در سفر

ذَهَاب رفت
إِیَاب برگشت
سَيَارَة اتومبیل
سَيَارَات اتومبیلها
باص اتوبوس
قَطَار قطار
سُکک حديدیه راه آهن
سَائِق راننده
طَائِرَة هواپیما
مَطَار فرودگاه
شَارِع خیابان
رُقَاق، فَرَع کوچه
سَاحَة، دَوَار میدان
طَرِيق طریق
طَرِيق مِشَاة پیاده رو
طَرِيق مَسْدُود راه بسته
خَرِیْطَة نقشه
مَوْقِف ایستگاه
مَحْطَة جایگاه
چَسِر پُل
سُلَم - دَرَجَة راه پله
جَوَاز سَفَر گذرنامه
بِطَاقَة - تَذْکِرَة بلیط
درجَة أُولی درجه‌ی یک
درجَة ثَانِیَة درجه‌ی دو
الأَجْرَة کرایه‌ی مسافر
بِطَاقَة کارت
هُویّه شناسایی
مِتَاخَر دیر کرده
یَصِل می‌رسد
یَرْحَل روانه می‌شود
یَتَوَقَّف می‌ایستد
اِفْتَح باز کن
أَعْلِق ببند
أَمْتَة بار سفر
البَاخِرَة کشتی
شَاحِنَة - لَارِی کامیون
إِلَى الیَمِینِ بَطْرِفِ رَاسْت
إِلَى الْبَاسَرِ بَطْرِفِ چپ
عَلِی طُول مستقیم
بَاب الْقِدَام در جلو
بَاب الْخَلْفِ در عقب

لغات پرکاربرد عربی

اعضای بدن				اعداد ترتیبی		اعداد	
مُج	رِسخ	بدن	جسم	يَكُم	الأول	۳۰	واحد
بازو	ذِرَاع	سر	رأس	دَوَم	الثاني	۴۰	اثنین
آرنج	كوع	مو	شعر	سَوَم	الثالث	۵۰	ثلاثة
شانه	كتف	زبان	لسان	چهارم	الرابع	۶۰	أربعة
ران	فخذ	صورت - رو	وجه	پنجم	الخامس	۷۰	خمسة
ساق پا	ساق	پیشانی	جبین	ششم	السادس	۸۰	ستة
زانو	رُكبة	چشم	عين	هفتم	السابع	۹۰	سبعة
پا	قدم	بینی	أنف	هشتم	الثامن	۱۰۰	ثمانية
پوست	جلد	گوش	أذن	نهم	التاسع	۲۰۰	تسعة
خون	دَم	دهان	فَم	دهم	العاشر	۳۰۰	عشرة
پشت	ظَهر	لب	شَفَة	یازدهم	الحادی عشر	۴۰۰	أحد عشر
سینه	صدر	حلق	خَلق	دوازدهم	الثانی عشر	۵۰۰	اثنی عشر
شکم	بطن	گونه	خَد	کسر اعداد		۶۰۰	ثلاثة عشر
پزشک	الطبيب	گردن	رَقبة	دو برابر	ضعف	۷۰۰	أربعة عشر
ضغط الدَم فشار خون		چانه	ذَقن	نیم	نصف	۸۰۰	خمسة عشر
داروخانه	صيدلية	دندان	أَسنان	یک سوّم	ثُلث	۹۰۰	ستة عشر
باند	ضمادة	سیبل	شارب	رُبُع	رُبُع	۱۰۰۰	سبعة عشر
چسب زخم	لِزَقَة	ریش	لِحیة	ثلاثة ارباع سه ربع	ثلاثة ارباع	۲۰۰۰	ثمانية عشر
اِیْجاد راز بکش	أَرَقْد هِنا	دست	يَد	یک پَنجَم	خُمس	۳۰۰۰	تسعة عشر
دهانت رابازکن	إِفتح فمک	انگشت	إِصبع	یک شِشم	سُدس	ملايين	عشرون
سرفه کن	إِسل	ناخن	ظُفر	یک دَهَم	عُشر	خمسين بالمائة ۵۰ %	واحد وعشرين

لغات پرکاربرد عربی

سیاست

سُعار	آرم	باحت	پژوهشگر	دَعِم	حمایت	هزیمه	شکست	تَحَكُّمٌ مِنْ بَعْدِ	کنترل از راه دور
إحصاء	آمار گرفتن	مَلَجَأٌ	پناهگاه	مُرَاسِل	خبرنگار	قضاء	شکستجه	السُّلْطَةُ الْقَضَائِيَّةُ	قوه قضائیه
أنباء	اخبار	مَقَرٌ، قَاعَةٌ	پایگاه	سری	محرمانه	مصبوری	سرنوشت ساز	السُّلْطَةُ التَّنْظِيقِيَّةُ	قوه مقننه
جیش	ارتش	جنسِيَّة	تابعیت	مُدْعَى	دادستان	مشروع	پروژه	صليب الاحمر	صلیب سرخ
العُملة	ارز	إقتراح	پیشنهاد	مُحَامِي	وکیل	ديمقراطية	دموکراسی	لغة رسمية	زبان ملی
الکِتلة	اقلیت	مُقاطعة	تحریم	علاقة	رابطه	أبرياء	غیرنظامی	أمانة العامة	دبیرخانه
ثورة	انقلاب	تدمير	تخریب	تصويت	رای دادن	كارثة	فاجعه	أمين العام	دبیر کل
إنقلاب	کودتا	إرهابی	تروریست	ناخب	رای دهنده	شامل	فراگیر	مخفر شرطة	پاسگاه پلیس
أزمة	بحران	نُويَّة	هسته ای	انکماش	رکود	إنتهازی	فرصت طلب	مخفر محدودی	پاسگاه مرزی
تشحين	شارژ	بُندقیة	تفنگ	رقم قیاسی	رکورد	إنهيار	فروپاشی	شارع رئيسی	بزرگراه
مُفتش	بازرس	تَضَخَّم	تورم	مسار	روند	ثقافة	فرهنگ	إعادة بناء	بازسازی
ميناء	بندر	مُؤامرة	فتنه گری	مساوم	سازشکار	إنفاقیة	قرارداد	السُّوق الحرة	بازار آزاد
ميزانية	بودجه	إنتاج	تولید	مُنظمة	سازمان	نهب	غارت کردن	الضوء الأخضر	چراغ سبز
مُعسكر	پادگان	مَهْرَجَان	سمینار	إشتباك	درگیری	طارئ	غیرعادی	الشرق الأوسط	خاورمیانه
مَلَفٌ	پرورنده	مُزَيَّف	جعلی	مَجَال	زمینه	الدستور	قانون اساسی	إكتفاء ذاتی	خودکفایی
وطنی	ملی	شباب	جوانان	سجن	زندان	صراع	کشمکش	رَمَى بِالرَّصَاصِ	تیرباران
خريطة	نقشه	مُواطن	هموطن	صاروخ	موشک	مجزرة	کشتار	رئيس الوزراء	نخست وزیر
مُؤخذ	یکپارچه	إنذار	هشدار	قلق	نگرانی	مُرشح	کاندیدا	عنصری	نژاد پرست
قصف	بمباران کردن	وَفد	هیئت	معروض	نمایشگاه	قنصلية	کنسولگری	نَشيد وطنی	سرود ملی
إلتجاء	پناهنده شدن	مذكرة	یادداشت	متناسق	همه‌لنگ	قناة	کانال ماهواره	استعراض عسكري	رژه نظامی
سیطرة	ایست بازرسی	إعتقال	دستگیر کردن	تعایش	همزیستی	قمر صناعی	ماهواره	بطاقة هوية	کارت شناسایی

دومین سوگواره بین‌المللی عاشورایی عکس هیأت

موضوع:

بخش اصلی؛ جلسه هیأت: فضای داخلی جلسه/ فضای بیرونی جلسه/ شام غریبان/ عکس پایانی و یادبود مراسم هیأت

بخش جنبی؛ دسته عزاء/ عکس‌های قدیمی و کهن

بخش ویژه: کاروان عشق: پیاده روی اربعین (از نجف تا کربلا)

داوران:

آقایان: سید عباس میرهاشمی/ افرهاد سلیمانی/ محمد مهدی رحیمیان/ محمد حسین حیدری

جوایز:

بخش اصلی: رتبه اول: یک سکه بهار آزادی به همراه سه میلیون تومان کمک به هیأت.

رتبه دوم: نیم سکه بهار آزادی به همراه دو میلیون تومان کمک به هیأت.

رتبه سوم: ربع سکه بهار آزادی به همراه یک میلیون تومان کمک به هیأت.

بخش جنبی: رتبه اول هر بخش: نیم سکه بهار آزادی.

بخش ویژه: رتبه اول: یک سکه بهار آزادی.

آخرین مهلت ارسال آثار: دهم دی ماه ۱۳۹۲ مصادف با رحلت رسول اکرم (ص)

قوانین:

۱- آثار رسانی می‌تواند به صورت تک عکس یا مجموعه عکس باشد.

۲- برای شرکت در سوگواره می‌بایست از طریق نشانی اینترنتی soogwah1392.com نام ثبت‌نام نموده و بایه همراه آثار رسانی، فرم ثبت‌نام اینترنتی را تکمیل و در یک فایل با فرمت ورد به صندوق پستی: قم ۱۴۳۵-۳۷۱۹۵ سوگواره هیأت (حتماً نام صندوق قید شود) ارسال نمایند.

۳- آثار باید با فرمت JPEG، مود رنگی RGB و اندازه‌ی حداقل ۲۵۰۰ پیکسل برای ضلع بزرگ ارسال شده و کیفیت مناسب جهت چاپ در ابعاد ۵۰×۷۰ را داشته باشند.

۴- هر عکاس مجاز است حداکثر ده اثر برای شرکت در مسابقه ارسال نماید.

۵- عکس‌های دستکاری شده یا سیستم‌های نرم‌افزاری پذیرفته نخواهند شد.

۶- ارسال عکس نوشته برای هر اثر الزامی می‌باشد.

تذکر: ۱- ستاد برگزاری ارسال کننده را صاحب اثر می‌شناسد و در صورت اثبات خلاف آن، اثر مربوطه را از مسابقه حذف می‌نماید.

۲- برگزار کننده مجاز است که آثار رسانی برای انتشارات، اطلاع‌رسانی و تبلیغات و ارتقای سطح هنری هیأت‌های مذهبی استفاده نماید.

۳- ارسال اثر به منزله پذیرش مقررات مسابقه است. تصمیم‌گیری درباره مسائل پیش‌بینی نشده و تفسیر شرایط بر عهده ستاد برگزاری سوگواره می‌باشد.

۴- آثار ارسالی به دبیر خانه سوگواره، عودت داده نخواهند شد.

**بر گزار کننده:
جامعه ایمانی مشعر**

المهرجان العاشورائي الدولي الثاني تحت عنوان صور الهيعة

Second International collection of Ashoura mourning pictures from religious program committees



دوبین جو کارہ پین الملی عاشورائی عکسہائیت
Deadline for all submissions:
31/12/2013
www.1542.ir

www.1542.ir

For more information:
Visit: www.1542.ir
Email: info@1542.ir
Postal code:
37195-1435

Main section:

Pictures of gatherings of committees
Internal environment of gatherings of committees
External environment of gathering of committees
Commemorative pictures of ceremonies of committees

Sub section:

Assembly of mourning sessions
Previous activities pictures

Special Section:

Casual of love: Walk from Najaf to Karbala on the day of Shaheer

Prizes of main section:

First position: One golden Bahar-e-azadi and three million Toman in assistance to the committee
Second position: Half golden Bahar-e-azadi and two million Toman in assistance to the committee
Third position: Quarter golden Bahar-e-azadi and one million Toman

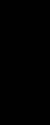
in assistance to the committee Considerable prizes assigned for best works from sub and special sections

All participants will be presented with a gift as a token of appreciation

مجموعه عکس
محیط داخلی
محیط خارجی
تصاویر تشریفاتی
مجلس عزاداری
فعالیت های قبلی
بخش ویژه
کادمان عشق: پیاده روی از نجف به کربلا در روز شهادت



جوایز
اول: یک تاج زرین و سه میلیون تومان به عنوان کمک به کمیته
دوم: یک تاج زرین و دو میلیون تومان به عنوان کمک به کمیته
سوم: یک تاج زرین و یک میلیون تومان به عنوان کمک به کمیته
بهترین اثر از بخش ویژه و بخش های ویژه جایزه قابل توجهی به عنوان هدیه تقدیم می شود
تمام شرکت کنندگان یک هدیه به عنوان یادگاری دریافت خواهند کرد





السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهَا وَالْوَرَاءِ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهَا وَالْوَرَاءِ

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهَا وَالْوَرَاءِ

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهَا وَالْوَرَاءِ

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهَا وَالْوَرَاءِ

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهَا وَالْوَرَاءِ

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهَا وَالْوَرَاءِ

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهَا وَالْوَرَاءِ

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهَا وَالْوَرَاءِ

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهَا وَالْوَرَاءِ

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهَا وَالْوَرَاءِ

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهَا وَالْوَرَاءِ

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهَا وَالْوَرَاءِ

دورگه
شرعیاتی
رسم

دورگه

۸۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا أن هدانا الله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا أن هدانا الله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا أن هدانا الله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا أن هدانا الله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا أن هدانا الله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا أن هدانا الله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا أن هدانا الله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا أن هدانا الله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا أن هدانا الله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا أن هدانا الله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا أن هدانا الله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا أن هدانا الله

سفر یادبودی
از حسین

سفر یادبودی
از حسین

لبیک یاحسین

در صورتی که تمایل دارید از برنامه های ستاد راهیان کربلا باخبر شوید
کلمه «لبیک یاحسین» را به شماره ۳۰۰۶۰۰۲۱۰۰ پیامک نمایید.
همچنین جهت دریافت عکس ها و فیلم های سفر نیز کلمه «کاروان کربلا» را به
همین شماره پیامک کنید تا از نحوه دریافت آن ها مطلع شوید.